

تحلیل عوامل موثر در آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان از منظر ژئوپلیتیک

محمود واثق^۱، عباس احمدی^۲، عباس طباطبایی^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۶/۲۰، تاریخ تایید: ۱۳۹۷/۰۲/۰۲

چکیده

مرزهای ایران در دو قرن اخیر عرصه کشمکش‌ها و فراز و فرودها و جزر و مدهای ارضی بسیاری بوده‌اند که حاصل آن در دوره ثبات پهلوی اول و تجدد مفاهیم عینی سیاست نظیر مرز، سرزمین کنونی ایران را حاصل آمده است. ایران و افغانستان در حدود ۹۴۵ کیلومتر مرز مشترک دارند که از دهانه ذولفقار تا ملک‌سیاه‌کوه امتداد یافته است. عوامل خارجی و داخلی بسیاری در آمایش نواحی مرزی دو کشور تاثیرگذار است. مسأله‌ای که در این پژوهش بررسی می‌شود، بررسی این عوامل و تاثیراتی است که در آمایش نواحی مرزی این دو کشور باید به آن توجه کرد. در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی در تلاشیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که چه عوامل خارجی و داخلی در آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان تاثیرگذار است؟ با توجه به یافته‌های پژوهش عوامل بسیاری نظیر مهاجرت غیرقانونی، مواد مخدر، تروریسم و حضور قدرتهای غربی در این مهم تاثیر گذار است.

کلیدواژگان: آمایش سیاسی فضا، نواحی مرزی، تروریسم، مواد مخدر، مهاجرت.

۱. استادیار و مدیر گروه جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، mahmoodvasegh@ut.ac.ir.

۲. استادیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، abbas_ahmadi@ut.ac.ir.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، abbas.tabatabai@ut.ac.ir.

مقدمه

آمایش سرزمین را شیوه بهره‌برداری از سرزمین و وفق دادن ویژگی‌های طبیعی و زیستی آن با نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌دانند (کلاتری و عبدالله‌زاده ۱۳۹۴: ۲۰۹). به مثابه این نگاه آمایش مرز برای توسعه مناطق مرزی ضروری می‌نماید. مرزهای ایران همواره در طول تاریخ دروازه‌های گذرگاهی بوده است که شرق را با غرب آشنا ساخته است. چه در آشوب و ناملایمات و چه در تجارت و تعاملات سازنده همواره رد پای هر رهگذر را می‌توان بر چهره کوه و دشت ایران جستجو کرد. روزگاری راه ادویه و ابریشم و راه‌های دریایی مهمترین معابر تجاری برای قرون متمادی بوده‌اند. سرزمین‌های شرقی ایران در دوران بازی بزرگ محل تشکیل دولتهای حایلی شدند که اکنون با حکومت‌هایی بی‌ثبات و ضعف همگرایی و نبود عامل وحدت‌بخش قدرتمند تبدیل به سرچشمه‌های ناپایداری و ناهنجاری گشته‌اند. نزاع بر سر کشمیر یکی از دیرینه‌ترین منازعات کنونی در جهان است (حجازی و بیدالله‌خانی ۱۳۹۶: ۱۵۱). دولت‌های پاکستانی دوره‌های گوناگونی از بی‌ثباتی را تجربه کرده‌اند. شبه قاره هند به عنوان یک خرده-نظام امنیتی مبدا بسیاری از حوادث خشونت‌بار بوده است. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، مدارس دینی، اقتصاد ضعیف و بیمار، ساختار قومی و حمایت‌های بیرونی شرایط را برای ظهور گروه‌های ستیزه‌جو مهیا ساخته است (همان: ۱۵۶). تروریسم، مواد مخدر و مهاجرت سه عامل مهم بی‌ثباتی در جهان امروز به شمار می‌روند که یکی از کانون‌های مهم تشکیل آن کشورهای شرقی ایران هستند. بنیادگرایی اسلامی به صورت یکی از مشخصه‌های خاورمیانه درآمده است (بصیری و آقامحمدی ۱۳۹۵: ۱۰۴). تنش و ناامنی در منطقه، به خصوص در افغانستان اهمیت مرزهای ایران و افغانستان را دو چندان کرده است. توسعه، یکی از عواملی است که ناامنی را عقب می‌راند. راه‌سازی‌های گسترده، توسعه‌ی صنایع و عمران و آبادانی در نواحی ناامن سبب کاهش فقر و ناهنجاری‌های حاصل از آن می‌شود. مرز ایران و افغانستان به طول ۹۴۵ کیلومتر یکی از نواحی توسعه نیافته دو کشور به شمار می‌رود و مسائل امنیتی بسیاری آمایش این نواحی را اهمیت می‌بخشد. آنچه گفته شد نمایانگر این حقیقت است که هر کنشی در مرزهای شرقی ایران واکنشی فراسرزمینی را در آستین نهفته دارد. این مرزها دروازه خشم و خشونت اگرچه هست در نوع خود ثروتمست بالقوه که از اهمیت ژئوپلیتیکی بسیار زیادی برخوردار است. این نواحی پوشیده از کوه‌های سخت و دشت‌های خشک، سرزمینی به غایت توسعه نیافته است که خود می‌تواند سرچشمه ناامنی و ناهنجاری‌های بسیار باشد. کما اینکه چونان نیز هست. ساکنان این سوی و آن سوی مرز مردمانی فقیرند که مرز برای بسیاری از آنها ممر درآمد خانوار می‌باشد. در مطالعات و بررسی‌هایی که به صورت میدانی در مرزهای شرقی کشور داشتیم، شاهد آن بودیم که مرزهای شرقی ایران ممر درآمد گروه بزرگی از مردمان دو سوی مرز می‌باشد. بخشی از این نیرو در بازارچه‌های مرزی بکار گرفته شده است اما بخش بزرگی از آنها در تجارت غیرقانونی و قاچاق کالا درگیر هستند. گره خوردن عوامل گوناگون تاثیرگذار بر ساماندهی نواحی مرزی ضرورت کار ماست. پرسشی که درینجا مطرح می‌شود اینست که چه عوامل داخلی و خارجی بر آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان تاثیر گذارند؟ به نظر می‌رسد عوامل داخلی و خارجی بسیاری در آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان اثرگذارند که ما در این پژوهش سعی داریم به بررسی این عوامل نظیر مواد مخدر، تروریسم، مهاجرت غیرقانونی و مسائل موجود بین ایران و افغانستان بپردازیم. همچنین آمایش و ساماندهی فضا از اندیشه‌های سیاسی حاکم نیز متاثر خواهد بود.

در مورد آمایش نواحی مرزی بسیار نوشته اند و هم پژوهشگران بسیاری را مسائل مربوط به امنیت کروی و منطقه ای به تعمق فروداشته است. در مورد تروریسم، مهاجرت و مواد مخدر هم به زبان پارسی گنجینه فراخی از صاحب‌نظران و دانش پژوهان پارسی‌گوی به دست آمده است که مجموعه آنها بدین سبب که آیین و ماخذ این پژوهش بوده‌اند، در قسمت منابع و ماخذ آمده است و در این مجال از تکرار و اطناب دست می‌کشیم. در مورد آمایش سرزمین در ایران

بطور اعم و آمایش مناطق مرزی بطور اخص بیش از هر چیز پایان‌نامه‌های دانشجویان به مدد اساتید جغرافیا به پیشگاه دانش پیشکش آمده است:

- ۱) ساماندهی سیاسی فضا در ایران بر اساس شاخص‌های استاندارد جهانی نوشته حجت حیدری صوفیانی.
 - ۲) آمایش مناطق مرزی با تاکید بر ملاحظات دفاعی نوشته ی داوود رضایی سکه روانی.
 - ۳) رصد برنامه ریزی آمایش سرزمین نوشته ی سید مصطفی میرزایی نمونه‌هایی ازین پژوهش‌ها به شمار می‌-روند که در غالب پایان‌نامه توسط این دانش‌پژوهان گردآوری شده است.
- کتاب‌های بسیاری نیز در پیرامون این موضوع نگاشته شده است که برخی از آنها را برای آشنایی خواننده با ادبیات پژوهش به عنوان نمونه می‌آوریم:
- ۱) نظریه پایش و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران نوشته‌ی دکتر علیرضا ادیب یکی از کتب مفید و ارزنده در مورد سازماندهی سیاسی فضا می‌باشد که مرجع محققین بسیاری بوده است.
 - ۲) کتاب اصول و مبانی آمایش سرزمین نوشته‌ی دکتر عیسی ابراهیم‌زاده و دکتر میرنجف موسوی نیز از کتب تخصصی در مورد این موضوع است که توسط انتشارات سمت به چاپ رسیده است.
 - ۳) جغرافیای مرز با تاکید بر مرزهای ایران نوشته‌ی محمد اخباری و محمدحسن نامی نیز از کتاب‌های نگاشته شده پیرامون موضوع مرز می‌باشد که در آن به روش‌های نگهداری مرز اشاره شده است. در این کتاب به انواع راهبردهای نگهداری مرز و شیوه‌های مترتب بر آن به تفصیل پرداخته شده است.
 - ۴) سازماندهی سیاسی فضا نوشته‌ی دکتر زهرا احمدی‌پور، قاسم قنبری و قاسم کرمی نیز از میراث ارزشمندی است که در آن به تقسیمات سیاسی فضا نیز پرداخته‌اند.

شیوه پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت در زمره پژوهشهای نظری و از حیث هدف، در گروه پژوهشهای کاربردی و حل مساله می‌باشد که در قالب توصیفی-تحلیلی تدوین گردیده است. نوع تبیین بکار گرفته شده در این تحقیق، از نوع تبیین علی است. به لحاظ کیفیت پژوهش پیش رو کیفیتی کاربردی دارد. نوع اجرای پژوهش میدانی و کتابخانه‌ایست. نگارنده بر آن است تا در جستجو و تدبیر در منابع، اسناد، مقالات، مآخذ، تحلیل‌ها و مدارک موجود و با تحلیل جریانات تاریخی و تعمق در رفتار سیاسی پیچیده بازیگران سیاسی و همچنین بررسی میدانی مرزهای دو کشور از نزدیک، به تحلیل شرایط موجود بپردازد و عوامل اثرگذار بر آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان را تحلیل کند.

محیط شناسی پژوهش

قلمرو طبیعی

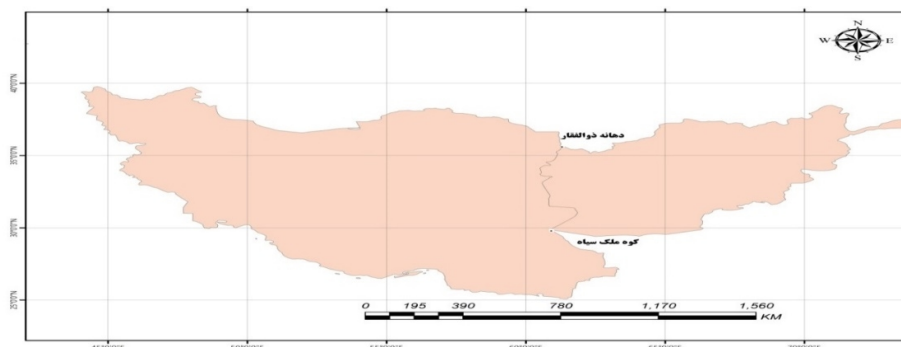
نواحی مرزی ایران و افغانستان شامل بیابان‌های خشک و هموار و کوه‌ها و ناهمواری‌های نیمه‌خشک می‌باشد. کوه‌های ملک‌سیاه که از کویر بجنستان در جنوب شروع می‌شود تا مرزهای خراسان جنوبی امتداد می‌یابد. کوه‌های دیگر این نواحی رشته کوه کوه‌سرخ می‌باشد که در جنوب خراسان رضوی قرار دارد. دشت ناامید و هشتادان از عوارض هموار این نواحی است. مرکز دشت ناامید در عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و طول ۶۰ درجه قرار گرفته است و ارتفاع آن ۶۳۵ متر از سطح دریا می‌باشد. مرز ایران و افغانستان از دهانه‌ی ذوالفقار در عرض ۳۵،۵۹۷۱۲۶ و طول ۶۱،۲۷۷۲۸۴۰ تا کوه ملک‌سیاه در عرض ۲۹،۸۵۸۸۸۹ و طول ۶۰،۸۷۳۶۱۱ امتداد دارد (سایت MyGeoPosition). (نقشه شماره یک)

جغرافیای انسانی:

سرزمین‌هایی که در شمالی‌ترین نقطه از دهانه ذوالفقار تا کوه ملک‌سیاه در جنوبی‌ترین نقطه قرار دارد، نواحی مرزی ایران و افغانستان است، که به طول ۹۴۵ کیلومتر در امتداد سه استان شرقی ایران کشیده می‌شود (حافظ نیا ۱۳۹۵: ۳۱۷ تا ۳۵۰):

- خراسان رضوی شامل چهار شهرستان مرزی تربت جام (با بخش‌های مرزی صالح‌آباد، پایین‌جام، بوژگان)، تایباد (با بخش مرزی مرکزی) و خواف (با بخش مرزی سنگان).
- خراسان جنوبی شمال چهار شهرستان مرزی زیرکوه (با بخش مرزی مرکزی)، درمیان (با بخش مرزی گزیک)، سریشه (با بخش مرزی درح) و نهبندان (با بخش مرزی مرکزی).
- سیستان و بلوچستان شامل پنج شهرستان نیمروز (با بخش‌های مرزی صابری و مرکزی)، هیرمند (با بخش‌های مرزی قرقری و مرکزی)، زهک (با بخش‌های مرزی مرکزی و جزینک)، هامون (با بخش مرزی مرکزی) و زاهدان (با بخش مرزی مرکزی).

دهستان‌های مرزی ایران به ترتیب از شمال عبارتند از: جنت‌آباد، گل بانو، زام، هریرود، پایین‌ولایت، کرات، پایین-خواف، بستان، پترگان، گزیک، طبس مسینا، لانو، بندان، قائم‌آباد، بزی، اکبرآباد، قرقری، دوست‌محمد، جهان‌آباد، زهک، خواجه‌احمد، جزینک، لوتک و حرمک. همچنین ولایات مرزی افغانستان با ایران به ترتیب از شمال عبارتند از هرات، فراه و نیمروز (پایگاه ملی نامهای جغرافیایی ایران، سازمان نقشه‌برداری ایران).



نقشه ۱: مرز ایران و افغانستان (ترسیم نگارنده)

مبانی نظری و مفهومی پژوهش

منظور از آمایش سرزمین، نیل به مطلوب‌ترین آرایش و توزیع جمعیت از طریق بهترین شکل توزیع. تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در پهنه سرزمین است. آمایش سرزمین در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و ... قابل طرح بوده و در ابعاد محلی، ناحیه‌ای، ملی، منطقه‌ای و جهانی موضوعیت دارد. مطابق تعریف فرهنگ لاروس، آمایش عبارت است از بهترین نوع توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به منابع طبیعی و انسانی. اگر چه تعریف و برداشت واحد و کاملاً یکسانی از آمایش در نزد صاحب‌نظران وجود ندارد و هر کس بنا به مبانی فلسفی و ایدئولوژیک مورد نظر خود از یک سو و همچنین بنا به حوزه تخصصی و غایت و هدفی که در رابطه با مقوله آمایش سرزمین دارد، به ارائه تعریفی خاص از این موضوع می‌پردازد، لیکن در باب برداشت کلی می‌توان آمایش سرزمین را نوعی استراتژی و طرح کلان مدیریت و سازمان‌دهی بهینه و مطلوب یک سرزمین با هدف نیل به توازن و پایداری آن قلمداد کرد.

در هر برنامه آمایش با سه روند از رابطه انسان، فضا و فعالیت روبرو هستیم. نکته شایان توجه در تعاریف گوناگون از مفهوم آمایش سرزمین، ذکر مکرر مفاهیم و واژه‌هایی نظیر «مطلوب‌ترین»، «بهترین»، «سازمان‌دهی بهینه»، «توازن فضایی»، «پایداری فضا»، «عدالت فضایی» و دیگر مفاهیم و واژه‌های مشابه در تعریف ارائه شده از این دست می‌باشد. تردیدی نیست که واژه‌هایی چون «مطلوب‌ترین»، «بهترین» و «عدالت فضایی» و مفاهیمی از این دست، می‌توانند در نزد افراد مختلف معانی و ویژگی‌های متفاوتی داشته باشد و نیز از دیدگاه مکاتب گوناگون فلسفی و ایدئولوژیکی و تحت تاثیر فرهنگ‌ها و گرایش‌های سیاسی گوناگون، تفسیرهای متنوعی داشته باشد.

این مطلب در مرتبه نخست گویای آن است که هدف‌ها، نمونه‌ها و روش‌های آمایش سرزمین متناسب با نوع فرهنگ و اندیشه سیاسی حاکم بر هر فضای جغرافیایی واجد اشکال و اهداف گوناگونی بوده و امکان بهره‌گیری از صددرصد یکسان در این زمینه برای فضاهای گوناگون وجود ندارد؛ زیرا مجموعه طرح‌ها، نمونه‌ها، روش‌ها و اهداف مندرج در هر برنامه آمایش سرزمین بطور عمیقی در مبانی فلسفی، ایدئولوژیکی و بویژه اندیشه سیاسی حاکم بر یک سرزمین ریشه دارد و در درون آن تعریف و طراحی می‌گردد. به همین جهت این انتظار وجود دارد که نوع هدف‌ها و روش‌های آمایش و مدیریت و سازماندهی فضا در هر کشور از الگویی متناسب با نوع نگرش فرهنگی و نوع نظام سیاسی حاکم بر آن کشور پیروی کند. هرچند در این رابطه وجود پاره‌ای صفات مشترک میان فضاهای جغرافیایی می‌تواند امکان بهره‌گیری از برخی الگوها و تجربیات مشابه و مشترک میان فضاهای را فراهم نماید.

فرایند آمایش سرزمین در یک برداشت کلی مجموعه‌ای از طرح‌ها، روش‌ها و الگوهای عملیاتی و همچنین اصول، مبانی و هدفهایی است که به منزله چارچوب نظری آن محسوب می‌شوند. به همین جهت کلیت برنامه‌های آمایش سرزمین مستند و مسبوق به چارچوب فراگیر و بزرگتری است که از آن به آمایش سیاسی فضا یاد می‌شود. به سخن دیگر هر برنامه آمایش سرزمین در حقیقت زیرمجموعه برنامه و طرح عام‌تر آمایش سیاسی فضا بوده و متأثر و مآخوذ از اندیشه و نگرش سیاسی حاکم بر قلمرو فضاست و بر اساس مبانی و هدف‌های اندیشه سیاسی و نظام حاکم بر سرزمین تعریف و ارائه می‌گردد. به خوبی پیداست که طراحی و اجرای چارچوب آمایش و سازماندهی سیاسی فضا هم بر برنامه‌های آمایش اقتصادی، اجتماعی، صنعتی، کشاورزی، دفاعی و تمامی طرح‌های توسعه ناحیه‌ای و ملی، اولویت و تقدم ذاتی دارد؛ چرا که خطوط اصلی و هدف‌ها و الگوهای کلان برنامه‌های آمایش سرزمین در هر بعد و حوزه‌ای ریشه در مرحله و سند بالادستی آن یعنی آمایش سیاسی فضا دارد.

در حیطه مبحث آمایش سیاسی فضا، با موضوعاتی نظیر الگوهای توزیع فضایی قدرت، روش‌های مدیریت سیاسی فضا، الگوهای سازماندهی سیاسی فضا، معیارها و شاخص‌های ناحیه‌بندی سرزمین و موضوعاتی از این دست سر و کار داریم.

در عصر حاضر رایج‌ترین چارچوب نظری برای طرح‌های آمایش سرزمین در غالب کشورهای جهان، دو مکتب «لیبرال» و «سوسیالیسم» بوده و غالب برنامه‌های مرتبط با روش‌ها و الگوهای مدیریت و سازماندهی فضا، متأثر از مبانی و ایده‌های دو مکتب می‌باشد. بطوریکه در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی در ایران، با تأثیرپذیری از مبانی و الگوهای مورد نظر مکتب لیبرال دموکراسی، طرح‌های آمایش و ساماندهی فضایی در قالب برنامه‌های توسعه ملی در کشور به مورد اجرا گذارده شد، اما با وقوع انقلاب و بروز تحول در ساختار سیاسی کشور، لزوم طراحی و تدوین برنامه‌های آمایش سرزمین متناسب با اندیشه سیاسی حاکم بر کشور یعنی اندیشه اسلامی، احساس گردید، اما به دلیل فقدان یک چارچوب مدون برگرفته از مبانی اسلامی در عرصه مدیریت و سازماندهی سیاسی فضا و متعاقب آن طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه ملی مبنی بر تفکر دینی از یکسو و همچنین مشکلات ناشی از جنگ و همچنین ناآرامی در گوشه و کنار کشور و پافشاری احساسی بر مدیریت انقلابی بدون وجود تعریف مشخصی ازین مفهوم، همچنان موضوع آمایش سیاسی فضا و آمایش سرزمین مورد توجه جدی واقع نشد و روند نابرابری و گسستگی‌های

فضایی به جا مانده از قرن‌های متمادی همچنان تداوم یافت. به گونه‌ای که امروز ایران کشوری با مشکلات و نابرابری‌های ژرف فضایی، در معرض چالش‌های گسترده ناشی از عدم توازن و پایداری فضا و تهدیدات ناشی از واگرایی‌های ناحیه‌ای و تعارض میان مرکز سیاسی و نواحی پیرامون خود قرار گرفته و ازین نظر مستعد آسیب‌های جدی در زمینه استقلال و امنیت ملی خود می‌باشد و از این نظر لزوم طراحی چارچوبی مناسب و کارآمد برای غلبه بر مشکلات فوق بیش از پیش احساس می‌شود. همانگونه که در سطور پیشین ذکر شد، برنامه آمایش سیاسی فضا و طرح‌های عملیاتی و اجرایی آن متأثر از نوع نگرش فلسفی و فرهنگی و اندیشه سیاسی حاکم بر یک سرزمین است. ذکر این نکته در اینجا ضروری می‌نماید که دانش و عقیده دو مقوله جدای از یکدیگر هستند. دانش پیش از آنکه مسیحی و مسلمان و یا لیبرال و یا سوسیالیست باشد، یک حقیقت واحد است که در ذهن آدمی شکل می‌گیرد و با پیش‌داوری‌ها و عقاید او درمی‌آمیزد. در واقع ذهن آدمی محل درهم آمیختن دانش و عقیده است. حکومت‌های جهان نیز به واسطه فلسفه‌ای سیاسی که بر مبنای آن شکل گرفته‌اند، دانش حکومت‌داری را سامان می‌دهند و دانش‌مندان و مدیران اجرایی در تمام این حکومت‌ها سعی دارند تا دانش خود را از ارزش‌هایی که ازین فلسفه سیاسی می‌توان برداشت کرد سرشار سازند و از موانع آن بگریزند و محدودیت‌های آن را دور بزنند. برای مثال وظیفه یک برنامه‌ریز گردشگری در شهر مکه عربستان که با موانع مذهبی سعودی‌ها و باورهای قدیمی روبروست برهم زدن این قوانین و عرف‌های موجود نیست. این کار را در جوامع گوناگون مصلحین اجتماعی و یا نیروهای انقلابی بر عهده دارند. وظیفه یک برنامه‌ریز ایجاد انعطاف در برنامه‌های خود برای بهره‌برداری اقتصادی از مزایای گردشگری مکه هست، به گونه‌ای که نه به قوانین کشور عربستان خدشه‌ای وارد شود و نه باورهای مذهبی در معرض تهدید قرار گیرد. اگر یک برنامه‌ریز به این مهم دست یابد هنر واقعی خود را به نمایش گذاشته است. در بسیاری از کشورها برنامه‌ریزان برای همسوسازی برنامه‌های خود با فلسفه سیاسی حاکم تلاش کرده‌اند. برنامه‌های «راه رشد غیرسرمایه‌داری اولیانوفسکی» در کشورهای بلوک شرق و یا دهکده‌های تعاونی در اسرائیل که ترکیبی از اندیشه‌های صهیونیستی و اندیشه غالب چپ در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی بود (صرف نظر از درستی و نادرستی و موفقیت و عدم موفقیت آنها) نمونه‌هایی از تلاش برنامه‌ریزان این کشورها بود که ما در ایران پیش از انقلاب اسلامی نیز شاهد آن بودیم. تمام آن چیزی که گفته شد زمانی معنا می‌یابد که ما با شرایط و امکانات موجود در کشور نیز آشنا شویم. عوامل بسیاری در آمایش و ساماندهی یک ناحیه اثرگذار است که تفکر حاکم یکی از آنهاست.

جغرافیا مطالعه زمین و کشورها، کوه‌ها، رودخانه‌ها، آب و هوا و... می‌باشد (فرهنگ آکسفورد). جغرافیای سیاسی مجموعه‌ای از جغرافیای انسانی است که راه‌های تاثیر سیاست‌ها و نزاع‌ها در خلق مکان‌هایی که خودشان تا اندازه‌ای توسط هستی و موجودیت‌های جغرافیایی معین شده‌اند، را بررسی می‌کند. تعاریف اصیل مفهوم ژئوپلتیک به ژئوپلتیک قدیم و نظریات نظریه‌پردازان نظامی دانشگاهی نظیر هلفورد مکیندر، هاووس هوفر و اسپایکمن بازمی‌گردد. برای آنها ژئوپلتیک ارتباط چگونگی روابط بین‌الملل با شکل فضایی اقیانوس‌ها، قاره‌ها، منابع طبیعی، اندام نظامی و تهدیدات و فرصت‌های شناخته شده‌ی سرزمینی بود (Gregory and others 2009: 301-302).

آمایش از مصدر آمودن (واژه نامه آزاد) به معنی آمادگی و آماده کردن و بررسی و تحلیل آمده است (فرهنگ پارسی عمید). آمایش بی بردن به ارزش‌های فضایی به منظور کارکردهای موثر اقتصادی و اجتماعیست (صنعی ۱۳۹۰: ۶۷). آمایش سرزمین یک دیدگاه آینده‌نگر و عادلانه نسبت به بهره‌برداری از منابع و امکانات کشور است (فتحی و دیگران ۱۳۹۶: ۹۲). سیاست‌های آمایشی در نواحی مرزی به منظور هدایت متوازن امنیت و توسعه در این نواحی می‌باشد (پیشگاهی فرد و سلطانی خلیفانی ۱۳۸۸: ۲۲). در نظریه قطب رشد از جانفریدمن به ایجاد کانون‌هایی اشاره شده است که علاوه بر قطب‌های رشد، با حجم و شعاعی کمتر از قطب‌های رشد به منظور پخش اثرات رشد از قطب به مناطق دورتر تاسیس می‌گردد (عندلیب ۱۳۸۰: ۲۸ تا ۳۱). در گذشته منطقه ای پهناور در فاصله یک شاهنشاهی با

شاهنشاهی دیگر را سرحد می‌گفتند (اخباری و نامی ۱۳۸۸: ۲) اما اکنون مرز شکل نوینی به خود گرفته است. در واقع مرز آخرین حد قلمرو یک کشور است (عبداللهیان ۱۳۸۸: ۵۳) که به صورت صفحه‌ای آسمان و زمین کشورها را از یکدیگر جدا میکند و به صورت برشی مخروطی تا مرکز زمین ادامه می‌یابد. با توجه به نظریه قطب رشد مرزها در دورترین فاصله از قطب‌های توسعه‌یافته قرار دارند. با توجه به این نکته می‌توان دریافت که با وجود فاصله فراوان مرزهای شرقی کشور از مرکز و فقدان قطب‌های توسعه محلی در این نواحی، این نواحی فاصله زیادی با توسعه-یافتگی دارند. از آنجا که مفهوم امنیت ملی و مرز در ارتباط با یکدیگر می‌باشند، رویکردهایی که در رابطه با مرز ارائه شده‌اند ارتباط نزدیکی با امنیت ملی دارند (عندلیب ۱۳۸۰: ۹۱ تا ۱۰۰):

- نظریه واقع‌گرایی یا نگرش امنیت-قدرت بیشتر توسط افرادی نظیر مورگنتاو ارائه شده است و امنیت ملی را تابعی از قدرت نظامی می‌داند. در این دیدگاه کشورها قدرتهای دورافتاده‌ای از دیگران هستند که از جانب یکدیگر تهدید می‌شوند.
- در دیدگاه امنیت - توسعه نظریه‌ای توسعه‌محور است که رشد و توسعه اقتصادی را مهم‌تر از توسعه نظامی در دست‌یابی به امنیت ملی موثر می‌داند. مرزهای کلبدی در این دیدگاه از اهمیت می‌افتند و رنگ می‌بازند.
- در دیدگاه چندسویه نیز عوامل دیگری نظیر قدرت اقتصادی، زمام‌داری سیاسی نوآوری در فناوری و تفکر فلسفی حکومت را در کنار قدرت نظامی در امنیت ملی موثر می‌داند. در این دیدگاه مرزها تا حد زیادی رنگ می‌بازند.

بنابر اصل هم‌تکمیلی منابع و امکانات زمین به گونه‌ای نابرابر توزیع یافته است و به این ترتیب هیچ مکانی قادر به تامین نیازهای خود نخواهد بود (واثق، صفوی و حسینی ۱۳۹۴: ۳۸). اصل هم‌تکمیلی در روابط مکان‌ها بر مبنای فاصله کارکردی نیز مطرح شده است (شکویی ۱۳۸۶: ۳۳). با توجه به این اصل می‌توان از برنامه‌های مشترک همسایگان برای رفع مشکلات مرزی بهره جست. در قسمت یافته‌ها ما به ارائه شاخص‌هایی نظیر تروریسم، مهاجرت، مواد مخدر و حضور قدرتهای غربی پرداخته‌ایم که در ساماندهی و آمایش نواحی مرزی تاثیرگذارند. تروریسم به معنای وحشت و هراس افکنی (فرهنگ آشوری ۱۳۷۳) از واژه لاتین *ters* به معنای ترساندن (زین العابدین ۱۳۸۶: ۱۸۲) و واژه *terror* از زبان انگلیسی گرفته شده است و بیشتر به گروه‌های خرابکارانه مسلح اطلاق می‌شود. تروریسم به هر عملی به قصد قتل یا آسیب به غیرنظامیان اطلاق می‌شود که به سبب وارد کردن یک سازمان یا دولت در امری ویژه یا مجبور کردن آن به ورود یا عدم ورود به مساله‌ای صورت می‌گیرد (U.N 2005).

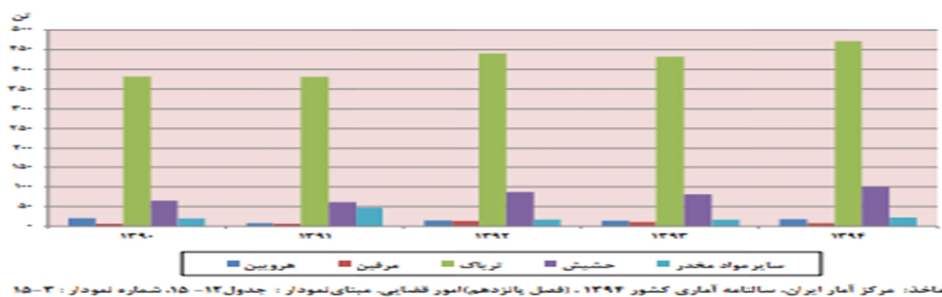
یافته‌های پژوهش

در قرن نوزدهم میلادی هنگامی که گسترش امپراطوری تزار در سایه وحشت بریتانیا از ناپلئون با چراغ خاموش به دروازه‌های هند رسید، دولت‌مردان شرکت هند شرقی به هراس افتادند. میان فاتحان پاریس و نگین امپراطوری بریتانیا تنها کوه‌های سر به آسمان کشیده پامیر برجای مانده بود. سرزمینی که روسها در سال‌های بعد یکبار بر آن چیرگی یافتند. از طرفی نبرد حیرت‌آور سپاهیان ایرانی در برابر ارتش قدرتمند تزار که ناپلئون را به زانو درآورده بود، سخنان ناپلئون را در مورد ارتش ایران تداعی می‌کرد که زمانی گفته بود سواران ایرانی تنها نیروی بالقوه‌ای هستند که توان فتح هند را دارند. چه بارها در طول تاریخ از سومنات تا دهلی، بدان دست یازیده‌اند. این رخدادهای تهدیدآمیز، شرکت هند شرقی را بر آن داشت تا با ایجاد کشورهای حایل در برابر این دو قدرت، از خطرات احتمالی بکاهد. این سیاست انگلستان، ایران را به سمت تجزیه پیش برد. ضعف داخلی ایران تا پایان قرن سبب شد که مناطق وسیعی از سرزمین‌های شرقی ایران زیر نام دولت‌های کلات و افغانستان از سرزمین مادر جدا شود و بریتانیا و روسیه ذیل قرارداد

۱۹۰۷م مناطق نفوذ در ایران را بین خود تقسیم کنند. در این دوران ایران به ورطه فروپاشی رسیده بود. ظهور انقلابات سیاسی دولت مرکزی را آنچنان ضعیف ساخته بود که در جریان جنگ نخست جهانی بستر نظامیان خارجی شد. نیروهای بریتانیا، عثمانی و روسیه در داخل خاک ایران دست به عملیات نظامی زدند و دولت فروپاشیده مرکزی عملیات دفاع از کشور را به اقوام و روستاییان محلی سپرده بود. نبرد قهرمانانه رییس‌علی و صولت‌الدوله با انگلیسی‌ها و بختیاری‌ها و روستاییان اصفهانی با روس‌ها (بهار ۱۳۹۲: ۳۶۷) از کشور زمین سوخته‌ای برجای نهاد. در چنین وضعیت پرآشوبی سرزمین افغانستان از پیکره ایران جدا شد اما هیچگاه ثبات در مرزهای دو کشور برقرار نشد و تنش و ناآرامی در این نواحی وجود داشت. جدایی افغانستان هرچند سبب رفع خطر روسها برای بریتانیا شد اما مرزهای آنها را آرام نکرد. افغانستان در چند مرحله با انگلستان وارد جنگ شد و شکست نهایی آنها سبب تحمیل شدن خط دیورند به افغانستان شد (محمدغبار ۱۳۶۸: ۵۸۰ تا ۵۹۳). انقلاب ۱۹۱۷م روسیه رقیب شمالی را از میدان بدربرد. جنگ جهانی پایان یافت و انقلابیون کمونیست که از تسخیر ذهن مسالمت‌جوی اروپاییان غربی درمانده بودند به کشورهای آسیایی و اروپای شرقی سرازیر شدند. در افغانستان نیز حمایت‌های شوروی از دولت این کشور به نفوذ کمونیسم در افغانستان منجر شد (عطایی ۱۳۸۳: ۴۳۸). وحشت بار دیگر دربار بریتانیا را فراگرفت. سیاست آنها تغییر یافت. آنان برای رویارویی با رقیبی که از در اندیشه وارد می‌شد به نظامیان مقتدری نیاز داشتند که در صورت لزوم، توده‌های انقلابی را فروکوبانند. چرخش آشکار بریتانیا از عهدنامه سور تا لوزان، حمایت ضمنی از هیتلر و کمک به رضاشاه پهلوی برای قدرت‌گیری در کشور انقلابی ایران و کنار زدن چهره‌های انقلابی در ایران در سایه وعده امنیت و پیشرفتی که محقق نیز شد، آرایش جدید سیاست‌مداران غربی را توجیه می‌کند. در این دوره ثبات سیاسی ایران محقق شد و مرزهای سیاسی ایران و افغانستان با حکمیت ژنرال آلتای ترک تثبیت و مشخص شد. دولت‌های ایران و افغانستان در سایه پیمان‌های منطقه‌ای نظیر پیمان سعدآباد در برابر نفوذ کمونیست متحد شدند. انقلاب ایران و حضور مستقیم ارتش سرخ در افغانستان و حمایت ایران از مجاهدین افغان فصل جدیدی از روابط ایران و افغانستان است که با موج گسترده مهاجرت افغانها به ایران همراه است (رفیع ۱۳۸۷: ۴۱۹). پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و بی‌ثباتی‌های سیاسی در افغانستان نواحی مرزی این کشور با ایران عرصه تنش و ناامنی شدند. اهمیت این مرزها برای جامعه جهانی حساسیت‌ها را دوجندان کرده است. با سقوط شوروی، اندیشه‌های چپ‌گرایانه جای خود را به بنیادگرایی اسلامی سپرد. بنیادگرایان اسلامی در تقابل آشکار با غرب قرار گرفتند و امنیت شهرهای اروپایی را به مخاطره انداختند. مفهوم امنیت در سالهای جدید تغییر یافته است و بر زندگی روزمره افراد جامعه نظر دارد (شریفی - طرازکوهی و فتح پور ۱۳۹۶: ۲۱۲). با توجه به تاثیراتی که امنیت این مرزها بر امنیت جهانی دارد، این مساله یکی از عوامل مهم اثرگذار بر آمایش نواحی مرزی دو کشور می‌باشد.

قاچاق مواد مخدر

قاچاق مواد مخدر به عنوان مشخصه مرزهای ایران و افغانستان درآمده است. ایران در مسیر تجارت مواد مخدر قرار دارد، که بصورت کشت خشخاش در کشور افغانستان تولید می‌شود. مقادیر مواد مخدر کشف شده در ایران در طی دوره چهار ساله ۱۳۹۰.ش تا ۱۳۹۴.ش بیانگر تفاوت فاحش مقدار کمی این ماده مخدر با مواد دیگر در ایران است (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱: توزیع مواد مخدر کشف شده به لحاظ نوع (ماخذ: مرکز آمار ایران)

مواد مخدر با تروریسم پیوند تنگاتنگی دارد. ثروت سرشاری که از این تجارت غیرقانونی بدست می‌آید، منابع مالی گروه‌های تروریستی را تامین می‌کند. تجارتي که با جنگ و خشونت گره خورده است. تقریباً در هیچ کجای جهان در دهه‌های اخیر گروه پیکارجویی را نمی‌توان یافت که با تجارت مواد مخدر سروکار نداشته باشد. همانطور که نفت ثروت سرشار عراق و شام است مواد مخدر ثروت افغانستان به شمار می‌رود (جمالی ۱۳۹۳: ۱۵۳). ایران سالهاست که در مسیر تجارت مواد مخدر قرار دارد. مبارزه ی نظامیان ایران با قاچاقچیان مواد مخدر از سوی کشورهای غربی حمایت می‌شود. وجود کشوری یکپارچه از سواحل کاسپی تا خلیج پارس مهار تجارت سیاه را تا حدود زیادی آسان می‌کند.

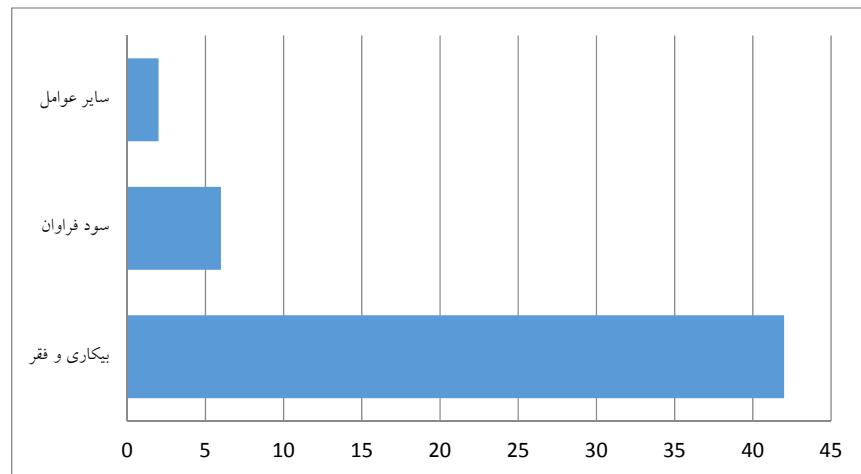
در حال حاضر امنیت مرزهای ایران به استثنای برخی نواحی که بخاطر حضور تروریست‌ها زیر نظر سپاه پاسداران ایران است، بر عهده نیروی مرزبانی ناجا می‌باشد. در سالهای اخیر مرزبانی ناجا اقدام به تاسیس جاده‌های مرزی و همچنین تاسیس پاسگاه و برجک نموده است. مرزهای ایران و افغانستان از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است. اقلیم متنوع و شرایط سیاسی و قاچاق گسترده مواد مخدر شرایط ویژه‌ای را در این نواحی رقم زده است. ارتفاعات خراسان در نواحی شمالی عموماً شرقی غربی است و در نواحی جنوبی شمال غربی جنوب شرقی می‌باشد. در نواحی شمالی ارتفاعات مزدوران، قره‌داغ، هزار مسجد و کپه داغ به فاصله کمی از مرز ناحیه ناهمواری را به وجود آورده است که بعضاً امتداد رشته‌کوه‌ها به آنسوی مرز نیز کشیده می‌شود. در نواحی جنوبی تر کوه‌ها به دشت ناامید در مرز ایران و افغانستان مشرف می‌باشند (صفوی ۱۳۷۹: ۱۲۴ تا ۱۲۷). در مرز ایران و افغانستان سه حوضه آبریز قرار دارد. حوضه آبریز هریز، هیرمند و حوضه آبریز قره‌قروم. محورهای ارتباطی ایران و افغانستان به شرح زیر می‌باشد:

۱. جاده زرنج - دوست محمد - زابل.
 ۲. جاده فراه - سرپیشه که از شمال به بیرجند و از جنوب به زاهدان می‌پیوندد.
 ۳. جاده شیندند - یزدان که از شمال به قائن و از جنوب به بیرجند می‌پیوندد.
 ۴. جاده هرات - اسلام قلعه - تایباد. این جاده از طریق تربت جام به مشهد مربوط می‌شود و از مهمترین جاده‌های منطقه بوده و به جاده آسیایی معروف است (صفوی، نامی و جلالی نسب ۱۳۹۴: ۱۰۹ تا ۱۱۱).
- مسایل ویژه افغانستان، تعیین کننده رفتار نظامی ایران نیز بوده است. در سالهای تسلط طالبان بر افغانستان، گهگاه حساسیت‌های نظامی به حدی بالا می‌رفت که در یک مورد به برپایی رزمایش بزرگ نظامی ایران در مرزهای شرقی - اش انجامید. حضور لشکر ۷۷ خراسان ارتش، با چهار تیپ تخصصی در شهرهای تربت جام، تربت حیدریه، قوچان و مشهد، نشان از حساسیت این مرزها دارد. در دوران حمله آمریکا به افغانستان، اسماعیل خان والی هرات با کمک نظامیان ایران هرات را از دست طالبان آزاد کرد. حضور نظامی یکی از دشمنان قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در طول نزدیک به هزار کیلومتر از مرزهای شرقی ایران همواره یکی از دغدغه‌های نظامی ایران بوده است. علاوه بر حضور نظامی آمریکا، بی‌ثباتی‌های افغانستان برای بیش از چهار دهه رفتار نظامی ایران در مرزهای شرقی اش را تحت

تاثیر قرار داده است. کشت مواد مخدر که پس از خروج شوروی از افغانستان اوج گرفته بود، در سالهای پایانی حکومت طالبان به دلیل ممنوعیت کشت تریاک از سوی طالبان در این سالها، به شدت کم شد اما با حمله ناتو به افغانستان با شدت بیشتری از سر گرفته شد. در سال ۱۳۹۳ شش شش هزار و چهارصد تن تریاک در ۲۴۰ هزار هکتار زمین کشاورزی در افغانستان تولید شد که نود درصد تریاک تولید شده در جهان می‌باشد (صفوی، نامی و جلالی نسب ۱۳۹۴: ۱۱۹ و ۱۲۰). مدیریت مرزها در این نواحی کاملاً نظامی می‌باشد. جاده‌های مرزی که در امتداد مرز توسط مرزبانی کشیده شدند، مهار مرز را توسط نظامیان راحت‌تر کرده است. این جاده‌ها عموماً جاده‌هایی نظامی هستند. روشهای مهار مرزی روش‌هایی عمدتاً قدیمی هستند و در مرزهای زابل خود را به شکل دیوار نشان می‌دهند. در استان خراسان رضوی هنگ مرزی تایباد وجود دارد و در استان خراسان جنوبی با ۴۶۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان، دو هنگ مرزی نهبندان با سه گروهان و ۱۹ پاسگاه مرزی و هنگ مرزی گریک با سه گروهان ۲۱ پاسگاه مرزی به مراقبت از مرز مشغولند. هنگ مرزی زابل نیز در استان سیستان و بلوچستان و در مرزهای این استان با افغانستان قرار دارد سالنامه ستاد مبارزه با مواد مخدر: ۱۳۹۴). در بررسی‌های میدانی صورت گرفته از نواحی مرزی مشاهده کردیم که در گمرک دوغارون حجم مکشوفات بدست آمده بسیار زیاد است. اما به گفته مرزبانان و افراد محلی محموله‌های قاچاق به صورت کوله‌بری و از بی‌راهه‌ها به ایران وارد می‌شوند. در نواحی مرزی زابل، ایران به احداث دیوار مرزی اقدام کرده است اما ما شاهد استفاده از منجنیق برای عبور مواد مخدر از این نواحی بودیم. همچنین در مرز آبی رودخانه هریرود که با مشکل بی‌آبی به ویژه در فصل تابستان مواجه است، قاچاقچیان به عبور مواد مخدر از بستر خشک رودخانه اقدام می‌کنند. البته حجم بالای عبور مواد مخدر به مرز ایران و پاکستان مربوط می‌شود. با این حال نمی‌توان تاثیر مواد مخدر در آمایش این نواحی را نادیده انگاشت. افغانستان بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان است و حجم بالایی از مواد مخدر صنعتی را تولید می‌کند (UNODC: 2017). مساله تولید مواد مخدر صنعتی در آشپزخانه‌های مرز افغانستان به عبور پیش‌سازها منجر شده است. پیش‌سازهایی که از بنادر ایران وارد می‌شوند و به افغانستان قاچاق می‌شوند و پس از تبدیل به مواد مخدر صنعتی دوباره به ایران وارد می‌شوند (سایت ستاد مبارزه با مواد مخدر: ۱۳۹۷). در بررسی‌های میدانی بیشتر افراد ساکن در این مرزها و مسئولان مرز، عامل بیکاری و فقر را مهمترین عامل گسترش تجارت مواد مخدر عنوان کرده‌اند. برای آمایش و ساماندهی مرزهای ایران و افغانستان توجه به این نکته بسیار ضروری است. جدول شماره یک و نمودار شماره دو، نتایج مصاحبه با مرزنشینان و متصدیان مرز را در مورد مهمترین عوامل قاچاق مواد مخدر، نشان می‌دهد. مصاحبه شونده‌گان از میان مرزنشینان، کارمندان گمرک، نیروهای مرزبانی و اساتید دانشگاه انتخاب شده‌اند.

جدول ۱: عوامل تاثیرگذار بر گرایش مردم به مواد مخدر (ماخذ: نگارنده)

شاخص	فراوانی	درصد
بیکاری و فقر	۴۲	۸۴
سود فراوان	۶	۱۲
سایر عوامل	۲	۴
جمع	۵۰	۱۰۰



نمودار ۲: عوامل موثر در گسترش قاچاق

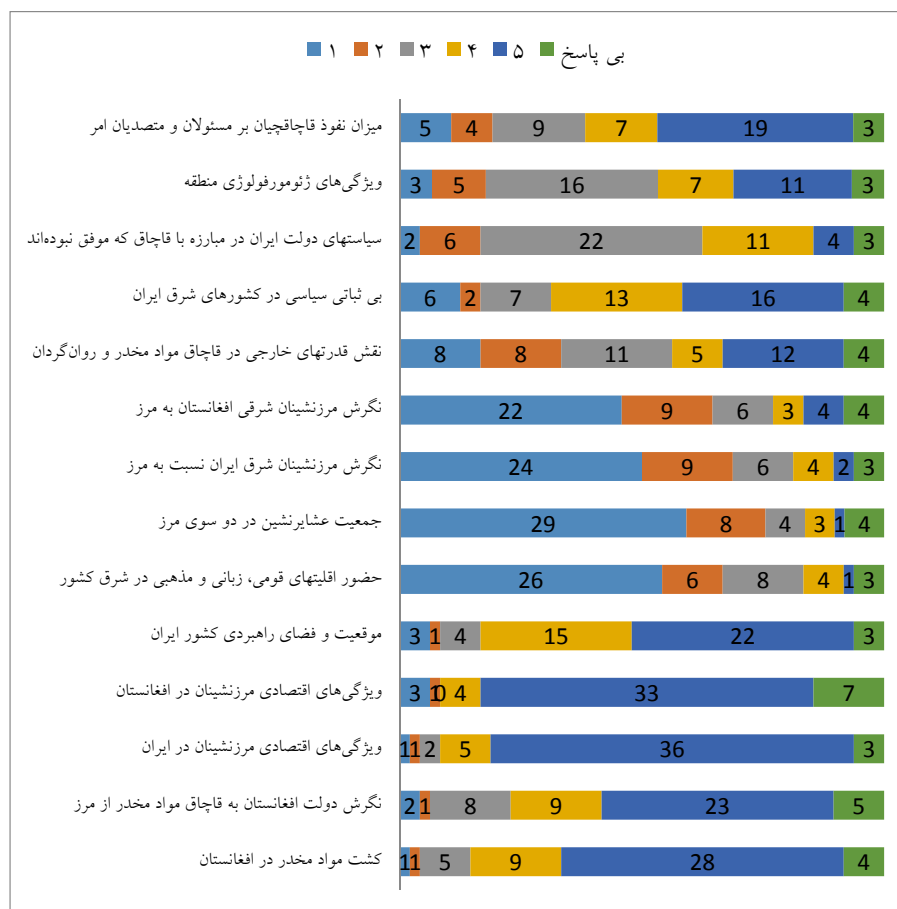
همین طور در جدولی از پیش تعیین شده از مصاحبه شوندگان خواستیم که به عوامل مندرج در جدول از ۱ تا ۵ امتیاز دهند. نتایج این امتیازات در جدول زیر آمده است.

جدول ۲: عوامل تاثیرگذار بر گرایش مردم به مواد مخدر (ماخذ: نگارنده)

عوامل و سببها قاچاق	تعداد امتیازات پاسخگویان				
	۱	۲	۳	۴	۵
کشت مواد مخدر در افغانستان	۱	۱	۵	۹	۲۸
نگرش دولت افغانستان به قاچاق مواد مخدر از مرز	۲	۱	۸	۹	۲۳
ویژگی های اقتصادی مرزنشینان در ایران	۱	۱	۲	۵	۳۶
ویژگی های اقتصادی مرزنشینان در افغانستان	۳	۱	-	۴	۳۳
موقعیت و فضای راهبردی کشور ایران	۳	۱	۴	۱۵	۲۲
حضور اقلیتهای قومی، زبانی و مذهبی در شرق کشور	۲۶	۶	۸	۴	۱
جمعیت عشایرنشین در دو سوی مرز	۲۹	۸	۴	۳	۱
نگرش مرزنشینان شرق ایران نسبت به مرز	۲۴	۹	۶	۴	۲
نگرش مرزنشینان شرقی افغانستان به مرز	۲۲	۹	۶	۳	۴
نقش قدرتهای خارجی در قاچاق مواد مخدر و روان گردان	۸	۸	۱۱	۵	۱۲
بی ثباتی سیاسی در کشورهای شرق ایران	۶	۲	۷	۱۳	۱۶
سیاستهای دولت ایران در مبارزه با قاچاق که موفق نبوده اند	۲	۶	۲۲	۱۱	۴
ویژگی های ژئومورفولوژی منطقه	۳	۵	۱۶	۷	۱۱
میزان نفوذ قاچاقچیان بر مسئولان و متصدیان امر	۵	۴	۹	۷	۱۹

در تحلیل جداول بالا باید گفت که بیشتر مصاحبه شوندگان مشکلات اقتصادی در نواحی مرزی را عامل گسترش قاچاق دانسته اند. از نتایج تحقیقات میدانی چنین استنباط می شود که کاهش قاچاق مواد مخدر با آمایش نواحی مرزی ارتباط نزدیکی دارد، چرا که آمایش این نواحی می تواند به کاهش فقر منتج گردد. درصد بالایی از مصاحبه شوندگان به

بی‌ثباتی‌های سیاسی در مجاورت مرزهای شرقی، نقش دولتهای خارجی و نفوذ مافیا نمره بالایی را داده‌اند. در عین حال آنان نقش مرزنشینان، عشایر و اقلیتهای ساکن در مرز را بسیار کم‌رنگ دانسته‌اند. ۲۲ نفر از مرزنشینان به نقش موقعیت راهبردی ایران نمره ۵ را داده‌اند. از نتایج مصاحبه چنین استنباط می‌شود که مرزهای شرقی ایران نقشی فراسرزمینی را ایفا می‌کند و در صورت بروز تنش در این مرزها تمام کشورهایی که در مسیر ترانزیت مواد مخدر قرار دارند، تحت تاثیر این تنشها قرار می‌گیرند. با توجه به تجربه کسانی که تماس بی‌واسطه با مرز دارند، قاچاق مواد مخدر یکی از مشهودترین مشخصه‌های مرزهای شرقی ایران به شمار می‌آید.



نمودار ۳: عوامل تاثیر گذار بر قاچاق مواد مخدر

با توجه به آنچه گفته شد، برای آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان، نمی‌توان به مساله قاچاق مواد مخدر بی‌توجه بود. تجارت مواد مخدر از عوامل مهم تاثیرگذار بر آمایش این نواحی می‌باشد که از نظر داخلی و خارجی قابل بررسی می‌باشد. از نظر داخلی تجارت مواد مخدر مساله‌ای است که با زندگی مرزنشینان ارتباط تنگاتنگی دارد. فقر گسترده و بیکاری درین نواحی سبب روی آوردن گروه‌های انسانی به کارهای غیرقانونیست. با توسعه این نواحی و رشد تجارت زندگی ساکنان دو سوی مرز تحت تاثیر قرار می‌گیرد. از نظر خارجی، برای مبارزه با مواد مخدر از طرف کشورهای غربی حمایت‌های مالی در غالب کمک‌های سازمان ملل صورت می‌گیرد. تجارت مواد مخدر در مرزهای ایران، کشورهای

اروپایی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد، که با برنامه‌ریزی درست می‌تواند کمکهای آنان را به توسعه این نواحی در پی داشته باشد.

تروریسم

پدیده تروریسم سالهاست که کشورهای بسیاری را در جهان درگیر مشکلات پیچیده‌ای کرده است. امروزه تروریسم بصورت یکی از مشخصه‌های خاورمیانه درآمده است. تروریسم در دو قرن اخیر چالش جدی دولتهای اروپایی بوده است. هر چند تعاریفی که برای اطلاق این واژه بکار می‌رود مورد پذیرش همگان نیست اما دستکم در دنیای غرب تا حدود زیادی در این مورد اتفاق نظر وجود دارد. تعریف تروریسم به دلایل گوناگون ایدئولوژیک و یا سیاسی تغییر می‌کند (شریفی و فتح پور ۱۳۹۶: ۲۰۵). می‌توان تروریسم را کاربرد غیرقانونی زور دانست (کشاورز ۱۳۹۶: ۶۳۷). به باور پل وینکینسون تروریسم نتیجه خشونت افراطیست (شعبانی و پاشایی ۱۳۹۶: ۱۵۱).

کشور افغانستان یکی از کشورهاییست که از دیرباز با این چالش بزرگ درگیر بوده است. وجود گروه‌های تروریستی به نامی و عقب‌ماندگی نواحی مرزی ایران و افغانستان منجر شده است. مرزهای افغانستان برای ایران دروازه ورود گروه‌های آشوب‌طلبیست که از جانب حکومت ایران معمولاً با نام اشراک نام برده می‌شوند. طالبان و القاعده سالهاست که در افغانستان حضور دارند و در سال‌های اخیر داعش نیز فعالیت‌های خود را در افغانستان آغاز کرده است. از طرفی ریشه گروه‌های تکفیری نظیر داعش را باید در سازمان اصلی آنها یعنی القاعده در پاکستان و افغانستان جستجو کرد (احمدی ۱۳۹۴: ۱۵۱). ظهور داعش در عراق بزرگترین چالش پیش روی دولت عراق در یک دهه اخیر بوده است (طالبی آرانی و زرین نرگس ۱۳۹۵: ۱۴۱). به نظر می‌رسد مهمترین هدف این گروه تشکیل امارت یا خلافت اسلامیست (سنایی و کاویانپور ۱۳۹۵: ۱۵۶). همچنین به باور برخی ظهور این گروه‌ها از تفکر وهابیت بی‌تاثیر نیست (هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده ۱۳۹۳: ۲۳۹). وجود بسترهای ایدئولوژیک، حضور گروه‌های افراطی، ضعف ساختاری و جذابیت‌های راهبردی می‌تواند افغانستان را به کانون ثانویه انتشار داعش بدل کند (جمالی ۱۳۹۳: ۶۷). ایدئولوژی می‌تواند همواره داعشی‌ها را پس از شکست در نقطه‌ای دیگر گرد آورد (آزاد ۱۳۹۵: ۲۳). مقامات امنیتی افغانستان پیش ازین خاطرنشان کرده بودند که داعش به سبب تجارت مواد مخدر به افغانستان علاقه بسیاری دارد (تمدنی ۱۳۹۴: ۳۹). بیش از سه دهه خشونت و ناامنی در افغانستان (بیگدلی و حسینی ۱۳۸۶: ۱۰۸) چشم‌انداز صلح را بسیار دور می‌نمایاند. این ناآرامی‌ها و حضور گروه‌های مسلح بویژه در ایالت هلمند افغانستان، نواحی مرزی ایران را همواره تحت تاثیر قرار می‌دهد.

عامل تروریسم عاملی نیست که تنها در این نواحی تاثیر گذار باشد. امروزه تروریسم به عنوان شکل سازمان یافته خشونت یکی از بازیگران نامرئی در جهان است و نقطه اوج آن از دهه ۸۰ میلادی به این سو (قلی‌زاده و بیگی و مطلبی ۱۳۹۵: ۱۰۸) می‌باشد. بر طبق گزارشات وزارت امور خارجه آمریکا اقدامات تروریستی در حدود سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ در ایالات متحده و اروپای غربی بیش از ده برابر شده است (محمدی و حاضری ۱۹۸۹: ۱۹۱). تروریست پس از رویداد یازده سپتامبر چهره‌ای کاملاً جهانی به خود گرفت (مطلبی و آرامش و عماد ۱۳۹۵: ۱۶۰). هر چند اقداماتی این چنینی پیش ازین نیز بوده است اما اواخر قرن بیست و قرن بیست و یک میلادی را عصر تروریسم می‌دانند (حیدرقلی‌زاده، بیگی و مطلبی ۱۳۹۶: ۱۱۲). چالش جدید پیش روی جامعه جهانی، ظهور ابرگروه‌هایی نظیر داعش و القاعده است (شریفی و فتح‌پور ۱۳۹۶: ۱۰۷). به گونه‌ای که منجر به دخالت‌های جدیدی از سوی کشورهای غربی شد. ایالات متحده رسماً بعد از حوادث یازده سپتامبر وارد جنگی تمام عیار با تروریسم شده است (وندنوروز ۱۳۹۲: ۱۳۹). آمریکا بنا به درخواست مالکی نخست وزیر وقت عراق (علی محمدی ۱۳۹۶: ۱۷۸). در سال ۲۰۱۴م وارد

نبرد با داعش در عراق شد. هم‌اکنون غرب آسیا ناآرام‌ترین نقطه جهان به شمار می‌رود (کلاه چیان و محمدی‌لرد ۱۳۹۶: ۶۲). ریشه‌های بحران در عراق را می‌توان بدین قرار دانست (آذین و سیف‌زاده ۱۳۹۴: ۳۸):

— تغییر پر شتاب نظام قدرت در حوادث بعد از حمله به عراق

— بی‌توجهی به مناطق و استان‌های سنی نشین در دوره مالکی

— سیاستهای اقلیم کردستان

— ضعف مالکی در ایجاد همبستگی

— عدم تصفیه کامل بعثی‌ها

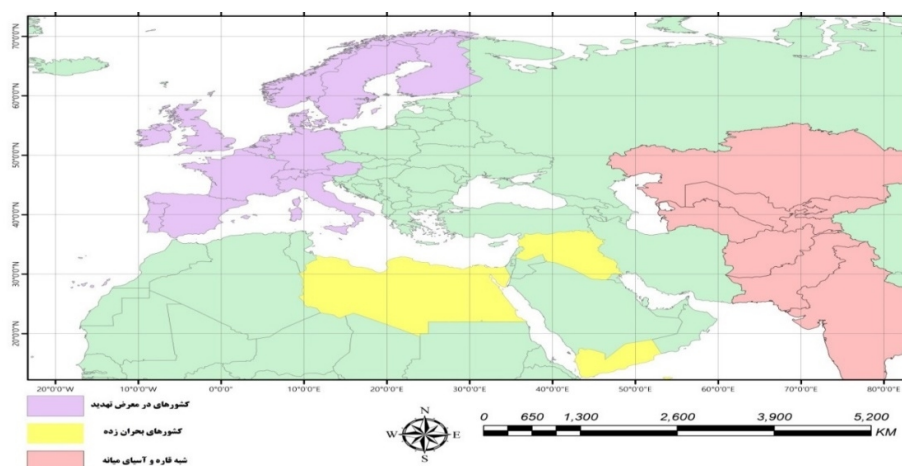
با توجه به عوامل بالا و عوامل بسیار دیگر مرزهای غربی ایران کانون ناامنی‌های بسیار است که می‌تواند با ناامنی‌های افغانستان پیوند خورد. در بررسی‌های میدانی مرزبانان از تجارب خود در مواجهه با تروریستها گفتند. برخی از مرزبانان از شرایط بد خود در برجکها و وجود سایه همیشگی تهدید بسیار ناراضی بودند. برخی از مرزبانان به گروه‌های مسلحی اشاره کردند که به باور آنها در از طرف برخی حکومت‌های خارجی حمایت می‌شوند و تنها به قصد کشتن و فیلم برداری از صحنه، به برجکها حمله می‌کنند تا پول دریافت کنند.

با توجه به آنچه گفته شد عواملی که از منظر تروریسم بر آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان اثرگذارند در مقیاس جهانی قابل بررسی هستند. نکته مذکور گویای حلقه اتصال گروه‌های مسلحیست که از قلب شبه‌قاره و دیوار چین تا مرزهای کارتاژ باستان و بیابانهای دوردست افریقای سیاه را در سیطره خود دارند. حلقه گمشده‌ای که سرزمین باستانی ایران است. تصور پیوستگی میلیون‌ها جنگ‌جوی بالقوه و بالفعل در کوه‌های هندوکش و هلمند و کویت به ستیزه‌جویان رعب‌آور عرب در بیابان‌های شام تصویری دشخوار و دهشت‌آور است. عامل یا عاملان بسیاری از حوادث تروریستی در کشورهای غربی از اتباع کشورهای شرق ایران بوده‌اند. نظیر بمب‌گذاری در خطوط هوایی هند در ۱۹۸۵م. مظنون اصلی این حادثه یکی از سیک‌های هند بود (موسی‌زاده و گنج‌بخش ۱۳۹۵: ۱۶۳). در حال حاضر جنگجویانی از کشورهای ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان برای پیوستن به داعش راهی شام گشته‌اند (دهشیری و جوزانی کهن ۱۳۹۴: ۴۳). به باور بسیاری ضعف دولتهای مرکزی در خاورمیانه بروز جنایات سازمان یافته‌ی تروریستی را سبب می‌شود (جعفری ولدانی ۱۳۸۴: ۹۷). بر اساس مطالعات انجام شده در اسپانیا، نتایج تحقیقات نشان داده است که ارتباط بسیار قوی بین مهاجرت و انجام اعمال خلاف قانون وجود دارد (Soledad: 2007).

برای آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان نمی‌توان به حساسیتی که جامعه جهانی برای این نواحی قائل است، بی‌توجه بود. وجود ذخایر عظیم انرژی در خاورمیانه این منطقه را به هارتلند یا قلب انرژی جهان تبدیل ساخته است (شفایی و شاپوری ۱۳۹۰: ۱۷۶) و این مساله حساسیت‌های امنیتی منطقه را بالا برده است. به سبب وجود زمینه‌های بروز تنش در بین کشورها، می‌بایست در طرح‌های آمایشی مسایل نظامی و امنیتی نیز مورد توجه قرار گیرند (سعیدی و کلاری ۱۳۹۴: ۹۶). با توجه به واقعیات کنونی می‌توان دریافت که امنیت و اقتدار و یکپارچگی در مرزها و سرزمین ایران به امنیت در شهرهای اروپایی کمک می‌کند. این مساله یکی از عوامل تاثیرگذار بر آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان می‌باشد. به سبب وجود زمینه‌های بروز تنش در بین کشورها، می‌بایست در طرح‌های آمایشی مسایل نظامی و امنیتی نیز مورد توجه قرار گیرند (همان ۱۳۹۴: ۸۹). نقش ژئوپلیتیکی ایران در رابطه با حضور گروه‌های تروریستی و تاثیرات آن بر جهان در نقشه شماره دو نشان داده شده است. در این نقشه کشورهای زرد کشورهای درگیر بحران و کشورهای صورتی کشورهای مسلمان شبه‌قاره و آسیای میانه می‌باشند. نقش ایران به عنوان کشوری حایل مابین این دو منطقه‌ی پرتنش مشخص است.

مهاجرت

مساله مهاجرت یکی دیگر از عوامل مهم اثرگذار بر آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان می‌باشد. جمعیت مهاجران افغان در ایران یکی از بزرگترین جمعیت پناهندگان در جهان می‌باشند. انگیزه مهاجرانی که از کشورهای شرق ایران به اروپا می‌روند، جستجو برای کار است (Simsek: 2006). در حال حاضر عبور غیرقانونی از مرز یکی از مهمترین چالش‌های مرز ایران و افغانستان می‌باشد. وجود بیابان‌های وسیع و مناطق خالی از سکنه بسیار نظارت بر این نواحی را بسیار سخت کرده است. بسیاری از این مهاجران از ایران راهی کشورهای دیگر و بیشتر کشورهای اروپایی می‌شوند. با ظهور گروه‌های تروریستی در جهان و موج جدید ناامنی‌های شهری حساسیت‌ها نسبت به حضور مهاجران بیشتر شده است. در سالهای اخیر شهرهای اروپای غربی که پس از جنگ دوم جهانی آرامش بی سابقه ای را تجربه می کردند با صدای گلوله و هراس آینده شدند. بدنبال حضور بی سابقه وحشت در شهرهای اروپایی عرصه بر سیاست مداران جهان‌گرای اروپایی تنگ شد. در رده‌های بالای قدرت میهن‌پرستان افراطی نفوذ کردند و بنیان اتحادیه اروپا که متضمن پایان خصومت‌های سال‌های پیش در اروپا بود به لرزه درآفتاد.



نقشه ۲: نقشه کشورهای درگیر با پدیده تروریسم (ترسیم نگارنده)

سیاست‌مداران اروپایی برای خروج از این بحران آماده شدند و با تغییر قوانین مهاجرتی و مهمتر از آن با گسترش همکاری‌ها با کشورهای مسیر نظیر ترکیه و یونان راه را بر سیل بی‌پایان مهاجران بستند. مهاجرت یکی از معضلات سیاست جهانی به ویژه در اروپاست. بحران مهاجرت و تشدید آن بعد از ۲۰۱۱ باعث بروز حساسیت‌هایی در زمینه تغییر نژاد و فرهنگ در اروپا شد (سلیمی و اسمعیلی ۱۳۹۵: ۴۰). نگرانی دیگر بازگشت جنگجویان غربی عضو داعش پس از شکست داعش به کشورهای خود بود (ایزدی ۱۳۹۳: ۱۶۳). بسیاری چالش ورود مهاجران مسلمان به اروپا را مهمترین چالش پیش‌روی اروپاییان می‌دانند (جعفری ولدانی ۱۳۸۴: ۹۳). مقامات ضد تروریسم اروپایی گزارش داده‌اند که یک تا دو درصد مسلمانان ساکن اروپا دست‌کم یکبار در زندگی خود دست به فعالیت‌های افراطی زده‌اند. این افراد شامل ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر می‌شوند (محمدنیا ۱۳۹۵: ۶۳). به باور برخی علت اقبال جوانان مسلمان اروپایی به داعش بحران هویتی است که با تضاد بین هویت اروپایی و عرب و عدم پذیرش در جامعه در آنها شکل می‌گیرد (نظری و پیرانی ۱۳۹۶: ۸۴).

اروپاییان از دهه هفتاد به این سو به سیاست اسکان مجدد در قبال پناه جویان و مهاجران روی آوردند. این سیاست بدنبال کاهش تقاضا در بازار کار رخ داد (persson 2011: 36). پس از هجوم مهاجران آسیایی و افریقایی از دهه

هشتاد میلادی به این سو کشورهای اروپایی را به اعمال سیاست مشترک در قبال مهاجران واداشت (پرویزی‌ها ۱۳۹۴: ۱۶۱). از طرفی رشد اسلام‌هراسی در باخترمیانه و باختردور که نقطه اوج آن از دهه هشتاد میلادی به این سو بود (قربانپوردلاور ۱۳۹۳: ۱۱۶)، پابندی مهاجران به فرهنگ‌های بومی خویش، حوادث خشونت‌بار تروریستی و پررنگ شدن ابعاد اجتماعی و فرهنگی حضور مهاجران، سیاست‌های چندفرهنگی در اروپا را با شکست مواجه ساخته است (صباغیان ۱۳۹۴: ۹).

در بررسی‌های میدانی در برخی شهرهای نواحی مرزی نظیر تربت جام، شاهد حضور جمع کثیری از شهروندان افغان بودیم که جزء آمار رسمی جمعیت شهرستان به شمار نمی‌رفتند و آمار دقیقی از آنها در دست نیست. ماموران مرزبانی تا بیاد به ما گفتند که بخشی از نیروهای مرزبانی به مبارزه با مهاجران غیرقانونی و بازگرداندن آنها مشغولند. به گفته آنها بسیاری از آنها راهی کشورهای اروپایی هستند. اکنون سوال اینجاست: اگر دیوارهای سترگ ایران فرو بریزد اروپایی‌ها برای دستکم هزار کرور سکنه مرزهای شرقی ایران که آنچنان با جنگ و خشونت درهم تنیده‌اند که حتی دورنمایی از صلح برای آنها نمانده است چه اندیشیده‌اند؟ تفاوت فرهنگی ایرانیان با دیگر ملت‌های مسلمان و اختلافی که در نگرش‌های دینی آنان ریشه دوانده است ظهور بنیادگرایی داعشی و اتحاد ضد غربی با دیگر مسلمانان از نوع تکفیری را در توده‌های ایرانی ناممکن ساخته است. وجود چنین کشوری بین تندروهای دو سوی ایران فاصله انداخته است. اما همین مساله اهمیت مرزهای ایران به ویژه با کشور افغانستان را دو چندان کرده است.

روابط دو کشور

بدون شک روابط دو کشور ایران و افغانستان از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر آمایش نواحی مرزی این دو کشور می‌باشد. روابط ایران و افغانستان شامل دورانی نسبتاً طولانی مملو از تنش و ثبات می‌باشد. مشکلات مرزی ایران و افغانستان در سایه بی‌تفاوتی مقامات ایرانی و ناتوانی دولت‌مردان افغانی در برابر ایران، کج‌دارومریز و استخوان لای زخم باقی مانده است. تقسیم آب رودخانه هیرمند را نیز باید به مشکلات گفته شده افزود. مشکلاتی که تاکنون هیچ اقدام موثری برای رفع ایشان به عمل نیامده است. هم‌زبانی ایران و افغانستان و حضور میلیون‌ها افغان مهاجر در ایران به عنوان یکی از بزرگترین جمعیت مهاجران در جهان نتوانسته است چونان که باید ایران و افغانستان را به هم نزدیک کند. در زیر به بررسی برخی از عوامل تاثیرگذار بر آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان را می‌آوریم که به بطور مستقیم با روابط دو کشور در ارتباط است. دکتر حافظ نیا کارکرد مرز و روابط دو دولت را تحت تاثیر عوامل زیر می‌داند (۱۳۸۲: ۷۲):

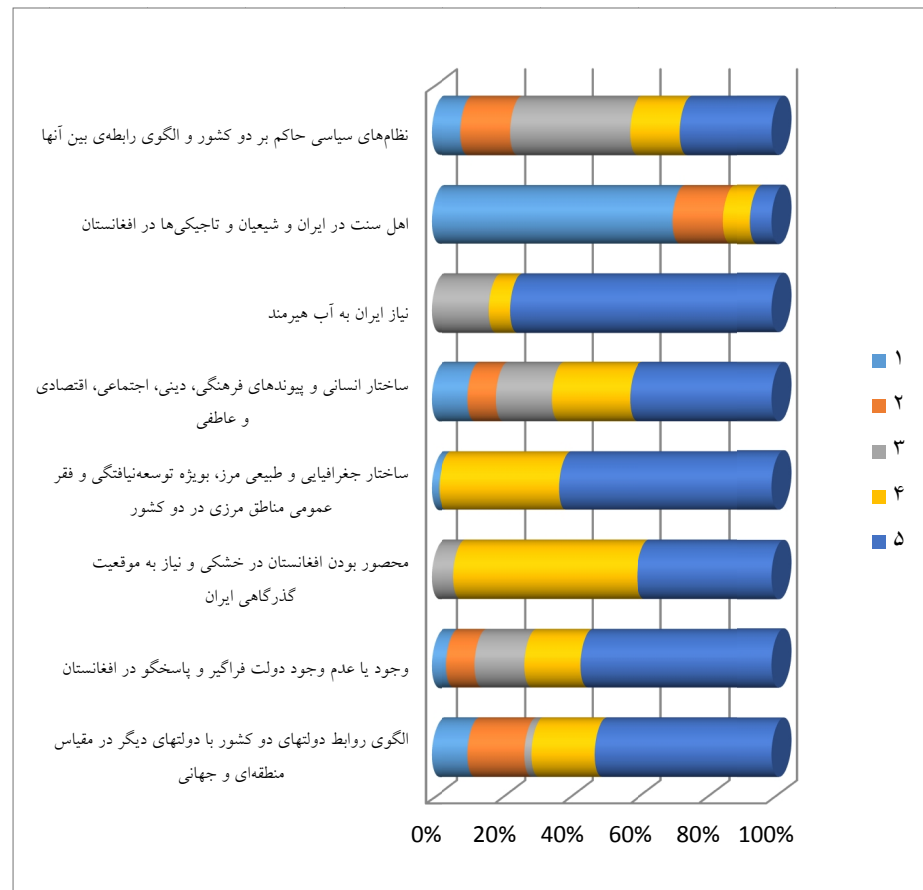
۱. «نظام‌های سیاسی حاکم بر دو کشور و الگوی رابطه‌ی بین آنها.
۲. الگوی روابط دولتهای دو کشور با دولتهای دیگر در مقیاس منطقه‌ای و جهانی.
۳. وجود یا عدم وجود دولت فراگیر و پاسخگو در افغانستان.
۴. محصور بودن افغانستان در خشکی و نیاز به موقعیت گذرگاهی ایران.
۵. موقعیت گذرگاهی ایران در مسیر عبور مواد مخدر از افغانستان به اروپا.
۶. ساختار جغرافیایی و طبیعی مرز، بویژه توسعه‌نیافتگی و فقر عمومی مناطق مرزی در دو کشور.
۷. ساختار انسانی و پیوندهای فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی ساکنان دو طرف مرز.
۸. نیاز ایران به آب هیرمند.
۹. اهل سنت در ایران و شیعیان و تاجیکی‌ها در افغانستان».

در بررسی‌های میدانی از مصاحبه شوندگان در مورد موانع و ظرفیت‌های سیاسی توسعه نواحی مرزی پرسشهای زیر را پرسیدیم.

جدول ۳: عوامل موثر بر روابط دو کشور (ماخذ: نگارنده)

امتیازات مصاحبه شونده‌گان					شاخص
۵	۴	۳	۲	۱	
۲۵	۹	۱	۸	۵	الگوی روابط دولتهای دو کشور با دولتهای دیگر در مقیاس منطقه‌ای و جهانی
۲۷	۸	۷	۴	۲	وجود یا عدم وجود دولت فراگیر و پاسخگو در افغانستان
۱۹	۲۶	۳	۰	۰	محصور بودن افغانستان در خشکی و نیاز به موقعیت گذرگاهی ایران
۴۴	۴	۰	۰	۰	موقعیت گذرگاهی ایران در مسیر عبور مواد مخدر از افغانستان به اروپا
۳۰	۱۷	۰	۰	۱	ساختار جغرافیایی و طبیعی مرز، بویژه توسعه‌نیافتگی و فقر عمومی مناطق مرزی در دو کشور
۲۰	۱۱	۸	۴	۵	ساختار انسانی و پیوندهای فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی ساکنان دو طرف مرز
۳۷	۳	۸	۰	۰	نیاز ایران به آب هیرمند
۳	۴	۰	۷	۳۴	اهل سنت در ایران و شیعیان و تاجیکی‌ها در افغانستان
۱۳	۷	۱۷	۷	۴	نظام‌های سیاسی حاکم بر دو کشور و الگوی رابطه‌ی بین آنها

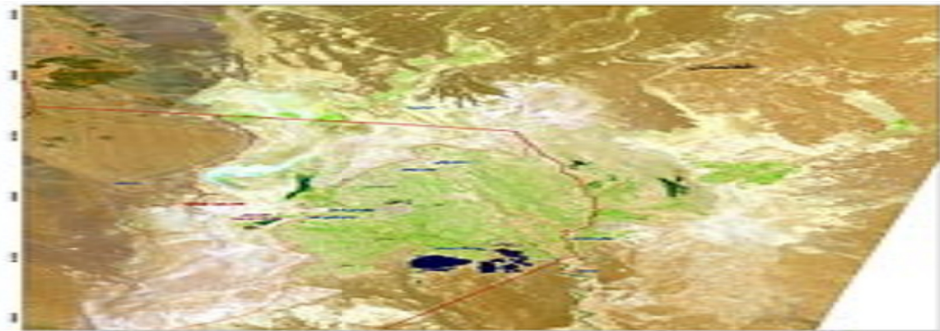
در این مصاحبه عوامل مطرح شده توسط دکتر حافظ نیا را از مصاحبه شونده‌گان مورد پرسش قرار دادیم. با توجه به نظر پرسش شونده‌گان، نظام‌های سیاسی حاکم، موقعیت ترانزیتی ایران و مساله هیرمند، مهمترین و تاثیرگذارترین عوامل اثرگذار بر روابط دو کشور هستند که باید در آمایش این نواحی مورد توجه قرار بگیرند. همچنین نیاز افغانستان به دریا و نیاز ایران به آب نیز از وزن بالایی برخوردار است که در بخشهای بعدی به آنها خواهیم پرداخت.



نمودار ۴: عوامل مؤثر بر روابط دو کشور

مسائل هیدروپلیتیک

در معاهده پاریس قرار بر این شد که رودخانه هیرمند مرز میان ایران و افغانستان باشد. با رشد مهارت‌های سدسازی و نیاز افغانستان به نیروی برق، دریاچه هامون خشک شد. مساله هیرمند یکی از مهمترین چالش‌های ایران و افغانستان بوده است (عزتی، هیدرپور و اقبالی ۱۳۹۰: ۱۸۷). عدم بهره‌مندی ایران از حق‌آبه هیرمند به خصوص در سالهای اخیر سبب خشک شدن دریاچه هامون شده است. خشک شدن دریاچه هامون به یکی از مشکلات جدی در منطقه تبدیل شده است که زندگی و معیشت جمعیت بزرگی از ساکنان نواحی مرزی ایران را تحت تاثیر قرار داده است. خشک شدن دریاچه هامون سبب قطع شدن منبع درآمد چهارصد هزار نفر در این نواحی و مهاجرت گسترده آنها و بروز پیامدهای زیست محیطی بسیاری گشته است. دریاچه هامون یکی از مهمترین مشخصه‌های طبیعی در مرز ایران و افغانستان می‌باشد. بسیاری بر این باورند که علت مشکلات مرزی ایران و افغانستان بر سر هامون دخالت استعمارگران انگلیسی در انقباض مرزهای ایران و شکل‌گیری مرزهای کنونیست. نقشه زیر خشک شدن هامون را طی سالهای اخیر به تصویر می‌کشد (نقشه‌ی شماره‌ی چهار):



نقشه ۴: تغییرات اقلیمی در حوضه آبریز هیرمند (ماخذ: سازمان حفاظت از محیط زیست استان سیستان و بلوچستان)

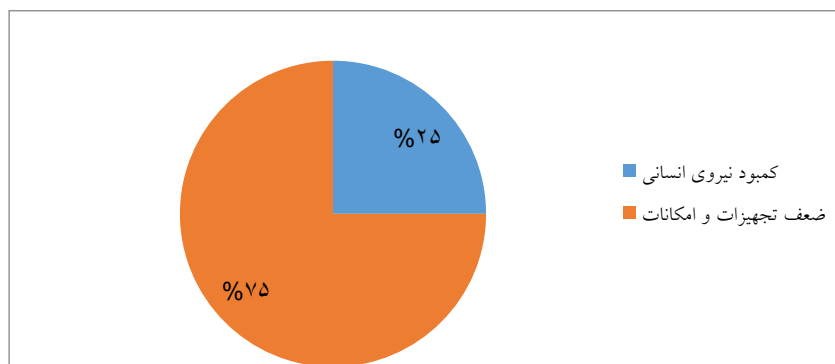
همانطور که در جدول شماره سه مشاهده نمودید، ۳۷ نفر از مصاحبه شوندگان به اهمیت مساله هیرمند در روابط دو کشور بالاترین نمره را داده‌اند. در بررسی‌های میدانی مشاهده کردیم که بسیاری از شهرهای مرزی با مشکلات آب دست و پنجه نرم می‌کنند. شهر مشهد به آب سد دوستی وابستگی بالایی دارد که از رودخانه هریود تامین می‌شود که با سدسازی‌های افغانستان در معرض تهدید قرار گرفته است. رودخانه هریود ۱۵۷ کیلومتر از مرز آبی ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد (حافظنیا ۱۳۹۲: ۳۱۷). آب شهر زاهدان نیز هم اکنون از چاه‌نیمه‌های زابل تامین می‌شود که به آب هیرمند وابسته است. در سفری که برای تحقیق میدانی به تاریخ تیرماه ۱۳۹۷ش به سیستان داشتیم مشاهده کردیم که آب آشامیدنی این شهر شور و تقریباً غیرقابل شرب است. شهرستان‌های مرزی سیستان، به ویژه شهرستان دوست محمد، از معبود شهرستان‌های کشور است که در سالهای اخیر با افت شدید جمعیت مواجه شده است.

دریا

هر چند دریا از مرزهای ایران و افغانستان فاصله بسیار زیادی دارد اما نیاز افغانستان به دریا سبب شده است که مرزهایش نقش بندر را برای این کشور بازی کند. نیاز به دریا برای افغانستان نیازی ضروریست. این نیاز به قدریست که در ادبیات افغان به شهرهای بزرگ تجاری بندر گفته می‌شود و به رودهای پر آب دریا می‌گویند (سایت خبری هرات تایمز: ۱۳۹۵). هم اکنون بیشتر نیازهای بندری افغانستان از بندر کراچی تامین می‌شود. احداث بندر بزرگ در سواحل مکران و اختصاص اسکله‌هایی به کشور افغانستان می‌تواند افغانستان بی‌ساحل را صاحب نیروی دریایی کند. هم اکنون بسیاری از کشورهای بی‌ساحل و محاط در خشکی در کشورهای دیگر صاحب نیروی دریایی فعال هستند که از بندر کشور میزبان استفاده می‌کنند. امکانی که به راحتی می‌تواند در بندر ایران برای کشوری نظیر افغانستان فراهم آید. این بندر یا بندر می‌تواند با راه‌آهن قوی نیازهای افغانستان را به مرز برساند. جایی که به شهری مرزی نیازمندیم. شهری توسعه یافته که می‌بایست بجای دیوارها و سیم‌های خاردار و مرزبانی‌ها بنا شود. ۴۵ نفر از پرسش شوندگان مصاحبه به نقش بالای نیاز افغانستان به ساحل، در روابط دو کشور تاکید کرده‌اند. در سفری که به چابهار داشتیم از ضعف زیرساختهای ایران برای ایفای چنین نقشی در چابهار با خبر شدیم. راه‌آهن چابهار هنوز تکمیل نشده است و نزدیکترین فرودگاه به چابهار در شهر کنارک واقع است. تاسیسات بندری این شهر نیز به هیچ وجه در حدی نیست که بتواند نیازهای جمعیت کثیری را که در افغانستان و آسیای میانه زندگی می‌کنند برآورده کند. گمرک جمهوری اسلامی ایران نیز توان ترخیص و نظارت حجم زیادی از کالاهای ورودی را به هیچ عنوان ندارد. در مصاحبه با کارکنان گمرک جمهوری اسلامی ایران در چابهار به مشکلات زیر اشاره شد.

جدول ۴: مشکلات و کمبودهای گمرک ایران (ماخذ: نگارنده)

شاخص	فراوانی	درصد
کمبود نیروی انسانی	۳	۲۵
ضعف تجهیزات و امکانات	۹	۷۵
جمع	۱۲	۱۰۰



نمودار ۵: مشکلات گمرک

مصاحبه شوندگان منظور خود از ضعف تجهیزات و امکانات را کمبود دستگاه‌های نظارتی مانند دستگاه ایکس ری عنوان کردند و گفتند به دلیل کمبود چنین دستگاه‌هایی امکان رصد بسیاری از محموله‌ها عملاً وجود ندارد. با توجه به چنین کمبودهایی نمی‌توان بدون توسعه چابهار به این شهر برای ایفای نقش بندری جهانی برای تامین نیازهای کشوری مانند افغانستان امید چندانی داشت.

بازارچه مرزی

مرز در درجه نخست نیازمند ایجاد شهر و نقاط سکونت‌گاه‌یست. توسعه نواحی مرزی جنگ و ناامنی را عقب می‌راند و رشد اشتغال و رفع فقر، قاچاق کالا توسط مرزنشینان فقیر را نامحتمل می‌سازد. ماهی‌رود در فاصله ۲۴۰ کیلومتری بیرجند با کمتر از ۵۰۰ نفر جمعیت یکی از دو بازارچه مرزی این ناحیه است. بازارچه مرزی دوغارون که در سال‌های اخیر برای مدتی تعطیل بود به اشتغال و توسعه این نواحی کمک کرده است (روشن و جعفرآبادی ۱۳۹۰: ۱۶۸). اما عدم توسعه زیرساختها در این بازارچه‌های مرزی از مشکلاتیست که در سال‌های اخیر مورد انتقاد بسیاری بوده است. جدول زیر میزان صادرات از بازارچه مرزی دوغارون را در طی یک دوره شش ساله نشان می‌دهد (جدول شماره ۵):

جدول ۵: میزان صادرات از بازارچه مرزی دوغارون (ماخذ: مرکز آمار ایران)

سال	ارزش صادرات به دلار	درصد افزایش
۱۳۷۹	۱۱۲۴۵۶۴	—
۱۳۸۰	۵۰۰۰۰۰۰	۴۴۴
۱۳۸۱	۷۱۰۰۰۰۰	۱۴۲
۱۳۸۲	۳۱۰۰۰۰۰	۴۳۶
۱۳۸۳	۵۵۷۰۰۰۰۰	۱۷۹
۱۳۸۴	۶۶۷۰۰۰۰۰	۱۱۹

بازارچه مرزی دوغارون در سال ۸۵ به حالت تعطیل درآمد و در سالهای اخیر دوباره شروع به کار کرده است. در مصاحبه‌ای که از مرزنشینان این ناحیه انجام دادیم، از مصاحبه شونده‌گان پرسیدیم که ظرفیتهای توسعه این نواحی کدام است. در جدول زیر به آنها اشاره شده است.

جدول ۶: ظرفیتهای مناطق مرزی (ماخذ: نگارنده)

شاخص	فراوانی	درصد
معادن	۶	۱۲,۵
کارخانه	۵	۱۰,۵
گردشگری	۷	۱۵
کشاورزی	۶	۱۲,۵
بازارچه و تجارت خارجی	۲۲	۴۶
بدون ظرفیت	۲	۳,۵
جمع	۴۸	۱۰۰

همانطور که مشاهده کردید ۴۶ درصد از مصاحبه شونده‌گان مهمترین ظرفیت این نواحی را بازارچه‌ها و تجارت خارجی عنوان کرده‌اند. همچنین بازارچه‌ها در رشد اشتغال زایی در ناحیه بسیار موثر است و این مساله سبب کاهش گرایش مردم به انجام فعالیتهای قاچاق خواهد شد.

نیرو

نیاز به نیرو نیاز دیگر کشور افغانستان است. چیزی که ایران بر ثروت سرشاری از آن خفته است. رفع نیازهای افغانستان می‌تواند وابستگی را بین دو کشور افزایش دهد و راه را بر توسعه نقاط اتصال یعنی نواحی مرزی هموار سازد. تامین نیروی افغانستان این کشور را از سدسازی بر روی هیرمند منصرف می‌کند و متضمن تامین حق آبه ایران می‌باشد. ایران با برعهده گرفتن تامین برق کشور افغانستان و عقد قراردادهایی در این زمینه افغان‌ها را به پایبندی به قرارداد ۱۳۵۱ه.ش که در زمینه تامین حق آبه ایران میان دو کشور بسته شد، ترغیب خواهد کرد. همچنین افغانستان در مسیر انتقال نیرو قرار گرفته است که می‌تواند به نزدیکی روابط دو کشور بیانجامد.

برای توسعه نواحی مرزی ایران و افغانستان نمونه نواحی مرزی آمریکا و مکزیک نمونه بسیار خوبی به شمار می‌رود. مرز آمریکا و مکزیک به طول ۳۱۴۱ کیلومتر یکی از توسعه نیافته‌ترین نواحی مرزی در جهان به شمار می‌آید. با پیوستن دو کشور به معاهده نفتا برنامه توسعه و امنیت در نواحی مرزی آغاز شد. این نواحی نواری به عرض صد کیلومتر بود که از خط مرزی تا پنجاه کیلومتر داخل خاک هر کشور را شامل می‌شد. شهرهای آمریکایی این نواحی خواهرخوانده شهرهای مکزیک در آن سوی مرز شدند و سرمایه‌گذاری آمریکا در این نواحی به رشد و توسعه آن انجامید. صنایع آمریکایی برخی از کارخانه‌های خود را در نواحی مرزی مکزیک تاسیس کردند تا مشکل عبور غیرقانونی از مرز حل شود. همچنین آنها به رشد و توسعه زیرساختها در این نواحی کمک کردند (عندلیب و مطوف ۱۳۸۸: ۶۵ تا ۶۸).

حضور قدرت‌های غربی

بی توجهی به قدرت‌های بزرگ و نادیده انگاشتن آنها با همه توان و ثروتشان تنها در لفاف شعارهایی امکان پذیرست که انقلابیون ملت‌های ضعیف، برای رشد خودباوری در میان ملت‌هایشان فریاد برمی‌کشند. اما در واقعیت نمی‌توان نفوذ و اثرگذاری آنها را در منطقه نادیده شمرد. از آنچه در قسمت‌های پیشین گفته شد چنین برآمد که غربی‌ها و به

خصوص اروپاییان در مرزهای ایران صاحب منافعد. لذا بهتر آنست که از امکانات غربی‌ها در زمینه‌ی تامین امنیت و توسعه نواحی مرزی بهره برد. شریک کردن کشورهای غربی در منافع حاصل از توسعه این نواحی ضامن امنیت و توسعه پایدار آن است. هم‌اکنون نظارت بر مرزهای طولانی ایران برای مرزبانان ایرانی هزینه‌های جانی و مالی فراوانی به بار می‌آورد. عمل مرزبانی در ایران بیش از هر چیز با تکیه بر نیروی انسانی صورت می‌پذیرد. ضعف فن‌آوری در این زمینه می‌تواند از جانب غربی‌های صاحب فن‌آوری جبران شود. کشور بزرگ هند نیز در سایه درگیری با پاکستان و علاقه به اقتصاد افغانستان می‌تواند کمک‌کننده‌ی توسعه این نواحی باشد. بعد از خروج بریتانیا از منطقه تلاش‌های بسیاری برای ایجاد یک نظام امنیتی در منطقه صورت گرفته است (عزتی و رشنو ۱۳۸۶: ۵۸). ایجاد یک نظام امنیتی مناسب در منطقه تنها با همکاری تمام کشورهای صاحب منافع در منطقه حاصل خواهد آمد. نادیده انگاشتن هر قدرت صاحب منفعتی ولو در آن سوی آب‌ها می‌تواند به کارشکنی آن قدرت بیانجامد. از طرفی مناطقی که از نظارت دولت بدور باشند می‌توانند کانون ایجاد ناامنی و وحشت باشند. به این مناطق حفره‌های دولتی می‌گویند (افضلی، انصاری و پویان ۱۳۹۰: ۱۱۲). مرزهای ایران و افغانستان گونه‌ای از حفره‌های دولتی به شمار می‌روند و چنانچه گفته شد از نظارت دولت بدور مانده‌اند.

در نگاه کارکردگرایانه و توسعه‌گرایانه به مرز توجه به فرصت‌ها در کنار تهدیدها امری ضروریست (اخباری و نامی ۱۳۸۸: ۴۷ تا ۶۵). توجه به تهدیدات یعنی نگاه بدبینانه به همسایگان و توجه به فرصت‌ها یعنی همکاری با ساکنان آنسوی مرزها. تمام این مهمات مذکور از طریق هم‌تکمیلی قابل وصول است. در واقع هم‌تکمیلی یعنی برآورده کردن نیازهای یکدیگر با همکاری متقابل. با توجه به اصل هم‌تکمیلی دولتمردان اینسوی و آنسوی مرز در رفع نیازهای یکدیگر می‌کوشند و منافع دیگری را در برنامه ریزی‌های خود لحاظ می‌کنند. در دنیای امروز اصل هم‌تکمیلی چندان با فاصله‌ها در پیوند و کنش نمی‌باشد. هم‌تکمیلی نیازها در این زمینه می‌تواند بین ایران و کشورهای دوردست اروپایی نیز به وقوع بپیوندد. حل مشکلات مرزی ایران با همکاری‌های بسیار بین‌المللی محقق می‌شود. احترام به منافع دیگری، احترام متقابل را به ارمغان خواهد آورد.

نتیجه‌گیری

نواحی مرزی ایران و افغانستان سرزمین‌هایی توسعه نیافته و فقیرند که ظرفیت فراوانی برای توسعه در خود جای داده‌اند. با گسترش همکاری بین دولت‌های دو کشور می‌توان انتظار داشت که رشد مبادلات اقتصادی به توسعه‌ی این نواحی منجر شود. با توسعه نواحی مرزی ایران و افغانستان و ایجاد وابستگی‌ها در روابط دو کشور و توسعه‌ی کشور افغانستان می‌توان کمرنگ شدن مرز نظیر آنچه در اروپا رخ داده است را انتظار داشت. ظهور اتحادیه‌ای نظیر اتحادیه اروپا در کشورهایایی با فرهنگ مشترک در پیرامون ایران نوید دهنده صلحی پایدار و توسعه در تمام کشورهای منطقه خواهد بود. دران روز بدون شک مرزها تنها خطوطی هستند که در نقشه‌ها ظاهر می‌شوند و توسط مردمانی که در میان کشورها در رهگذارند هرگز احساس نخواهد شد. هرچند آمایش سرزمین امری درون‌کشوریست اما بی‌نگاه به بیرون و توجه به واقعیت‌های جهانی امری ناممکن است. از آنچه تاکنون گفته شد می‌توان دریافت که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ایست که در مسیر سه معضل اساسی جهان امروز قرار دارد که به ویژه اروپاییان را تهدید می‌کند. مهاجرت، مواد مخدر و بنیادگرایان اسلامی عوامل تهدیدزای جهان غرب است. اروپاییان در جهان امروز بیش از هر چیز به ثبات ایران نیازمندند و این ویژگی منحصر بفرد ژئوپلیتیکی سرزمین ما در زمان کنونیست. برای ارائه راهکار مطلوب‌تر برای اداره مرزهای شرقی کشور ما چهار راهکار تقدم امنیت بر توسعه، تقدم توسعه بر امنیت، تفکیک توسعه و امنیت و درک متقابل توسعه و امنیت را به مصاحبه شوندگان پیشنهاد کردیم تا بهترین راهکار را انتخاب کنند.

همچنین برای اداره بهتر این نواحی از مصاحبه شوندگان خواستیم تا از بین راهبردهای تهدیدمحور، توسعه محور و تلفیقی یکی را انتخاب کنند. نتایج این مصاحبه در جداول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۷: راهکارهای مدیریت مرز (ماخذ: نگارنده)

شاخص	فراوانی	درصد
درک متقابل توسعه و امنیت	۳۰	۶۲,۵
تقدم توسعه بر امنیت	۶	۱۲,۵
تفکیک توسعه و امنیت	۶	۱۲,۵
تقدم امنیت بر توسعه	۶	۱۲,۵
جمع	۴۸	۱۰۰

جدول شماره ۸: راهبردهای مدیریت مرز (ماخذ: نگارنده)

شاخص	فراوانی	درصد
تهدید محور	۵	۱۰,۵
فرصت محور	۱۹	۳۹,۵
تلفیقی	۲۴	۵۰
جمع	۴۸	۱۰۰

با توجه به نتایج جدول بالا ۷۵ درصد مصاحبه شوندگان به اهمیت توسعه و نزدیک به نود درصد آنها به راهبردهای فرصت محور و تلفیقی ابراز تمایل کرده‌اند. برای نیل به توسعه نواحی مرزی، اجرای طرح‌های آمایشی ضروری است. متأسفانه در مرزهای ما بیشتر نگرش تهدیدمحور حاکم بوده است. در بررسی‌های میدانی در بخش بزرگی از مرزهای ایران و افغانستان، شاهد دیوارکشی‌ها، حصارکشی‌ها و حفر خندق بودیم. وضعیت مرزهای سیستان با آنچه پیشتر در مرزهای ترکمنستان و ایران مشاهده کرده بودیم بسیار متفاوت بود و می‌توان گفت مشهودترین جنبه آن حضور گسترده نظامیان بود. برای آمایش و ساماندهی این نواحی همانطور که مصاحبه شوندگان نیز اشاره کرده‌اند، می‌بایست رویکردی توسعه‌گرا داشته باشیم و با توسعه این نواحی و با ایجاد اشتغال و برقراری روابط تجاری گسترده با کشور همسایه و ایجاد وابستگی‌های دوجانبه با مشکلات عمیق این نواحی مقابله کنیم.

منابع

۱. احمدی، علی (۱۳۹۴) تاثیرات داعش بر جغرافیای فرهنگی عراق و سوریه، علوم سیاسی: فرهنگ اسلامی شماره ۲۳ ص ۱۵۱.
۲. اخباری، محمد؛ نامی، محمدحسین (۱۳۸۸) جغرافیای مرز؛ با تاکید بر مرزهای ایران، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳. افضلی، رسول؛ انصاری، سلمان و پویان، داوود (۱۳۹۰) ژئوتوریسم: رویکردی جغرافیایی به توریسم، جغرافیا: برنامه ریزی و آمایش فضا شماره ۱ ص ۱۱۲.
۴. ایزدی، پیروز (۱۳۹۳) جهادیون افراطی و امنیت اروپا، علوم سیاسی: روابط خارجی شماره ۲۴ ص ۱۶۳.
۵. آذین، احمد و سیف زاده، علی (۱۳۹۴) بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه، علوم سیاسی: سیاست خارجی شماره ۴ ص ۳۸.
۶. آشوری، داریوش (۱۳۷۳) دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
۷. بصیری، محمدعلی و آقامحمدی، زهرا (۱۳۹۵) آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آینده؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم در سطح بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا شماره سی و یکم ص ۱۰۴.
۸. بهار، محمد تقی (۱۳۹۲) تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (انقراض قاجاریه)، تهران: انتشارات آگاه.
۹. پرویزی، جمشید و پرویزی، بشیر (۱۳۹۴) سه دهه تحول در سیاست مهاجرت و پناهندگی اتحادیه اروپا، علوم سیاسی: سیاست خارجی شماره ۱ ص ۱۶۱.
۱۰. پیشگاهی فرد، زهرا و سلطانی خلیفانی، ناصر (۱۳۸۸) تحلیل سیاست‌های آمایش سرزمینی ایران و ترکیه در مناطق مرزی همجوار، جغرافیا: پژوهش‌های جغرافیای انسانی شماره ۶۹ ص ۲۲.
۱۱. تمدنی، مجتبی (۱۳۹۴) نگاهی تحلیلی به دلایل و عوامل هدایت کننده ی داعش به افغانستان: داعش در افغانستان، اشارات شماره ۱۵ ص ۳۹.
۱۲. ثنافر، احمد و راشدی، بهمن (۱۳۹۶) تکنیک های عملیات روانی گروهک تروریستی — تکفیری داعش با بررسی موردی مخاطبین ایرانی، اشارات شماره ۲۹ ص ۴۵.
۱۳. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۴) اتحادیه اروپا و چالش‌های نوین امنیتی در خاورمیانه، حقوق: پژوهش حقوق عمومی شماره ۱۴ ص ۹۳ و ۹۷.
۱۴. جمالی، جواد (۱۳۹۳) امکان سنجی حضور و نفوذ داعش در افغانستان، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۳ ص ۶۷ و ۱۵۳.
۱۵. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۲) جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۱۶. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۲) تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی: مرز ایران و افغانستان، فصل‌نامه ی مدرس علوم انسانی شماره چهار ص ۷۲.
۱۷. حامد آزاد، امیر (۱۳۹۶) چشم انداز اقدامات تکفیری ها پس از شکست نظامی در عراق، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۲ ص ۲۳.
۱۸. حجازی، سید نصرالله؛ بیدالله خانی، آرش (۱۳۹۶) تروریسم تکفیری و ریزسیستم‌های امنیتی شرق ایران؛ راهبرد امنیتی پایدار برای آسیای غربی، فصل‌نامه ی مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ی ۲۳ ص ۱۵۱ و ۱۵۶.
۱۹. حیدرقلی زاده، جعفر؛ بیگی، جمال و مطلبی، مسعود (۱۳۹۶) دگردیسی مفهومی تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل، حقوق: مطالعات حقوق بشر اسلامی شماره ۱۲ ص ۱۰۸ و ۱۱۲.
۲۰. دهشیری، محمدرضا و جوزانی کهن، شاهین (۱۳۹۴) شبکه سلول‌های تروریستی داعش در آسیای مرکزی، علوم سیاسی: مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز شماره ۹۲ ص ۴۳.

۲۱. روشن، علی اصغر و سعادت‌جعفرآبادی، حسن (۱۳۹۰) بررسی نقش و کارکرد کنترل مرز استان خراسان رضوی با افغانستان و تاثیر آن بر امنیت استان، فصلنامه ژئوپلیتیک شماره سوم ص ۱۶۸.
۲۲. زین العابدین، یوسف (۱۳۸۶) تروریسم: چالش ژئوپلیتیکی نوین در جهان، علوم سیاسی: سیاست خارجی شماره ۳ ص ۱۸۲.
۲۳. سازمان حفاظت از محیط زیست استان سیستان و بلوچستان.
۲۴. سازمان نقشه‌برداری، پایگاه ملی نام‌های جغرافیایی.
۲۵. سعیدی، علی و کلاری، بشیر (۱۳۹۴) ملاحظات دفاعی، امنیتی در آمایش مناطق مرزی مطالعه موردی (جزایر هرمز، هنگام، لارک)، علوم سیاسی: جغرافیای نظامی و امنیتی شماره ۱ ص ۸۹ و ۹۶.
۲۶. سلیمی، حسین و اسمعیلی اردکانی، علی (۱۳۹۵) مسئله مهاجرت به اتحادیه اروپایی ۲۰۰۸-۲۰۱۶، فصلنامه روابط خارجی، شماره دوم ص ۴۰.
۲۷. سنایی، اردشیر و کاویانپور، مونا (۱۳۹۵) ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، علوم سیاسی: مطالعات روابط بین الملل شماره ۳۴ ص ۱۵۶.
۲۸. شریفی طرازکوهی، حسین و فتح پور، فاطمه (۱۳۹۶) الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین الملل، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز دوره نهم، شماره دوم ص ۲۱۲، ۱۰۷ و ۲۰۵.
۲۹. شعبانی اصل، محمدرضا و پاشایی هولاسو، امین (۱۳۹۶) شناسایی و اولویت بندی عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل‌گیری پدیده تروریسم در استان سیستان و بلوچستان با رویکرد فازی، علوم و فنون مرزی، شماره ۲ ص ۱۵۱.
۳۰. شکویی، حسین (۱۳۸۶) اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا، تهران: انتشارات سمت.
۳۱. صباغیان، علی (۱۳۹۴) شکست چندفرهنگ‌گرایی در اروپا و پیامدهای آن برای مسلمانان ساکن کشورهای این قاره، علوم سیاسی: مطالعات سیاسی جهان اسلام شماره ۱۳ ص ۹.
۳۲. صنیعی، احسان (۱۳۹۰) آمایش سرزمین راهی به سوی تعادل نظام شهری و توسعه یافتگی، مجله اقتصادی شماره ۹ و ۱۰ ص ۶۷.
۳۳. ضیائی بیگللی، محمدرضا و حسینی، سیدعلی (۱۳۸۷) مسئولیت دولت افغانستان در نتیجه اقدامات نیروهای جهادی و طالبان، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲ ص ۱۰۸.
۳۴. طالبی آرانی، روح الله و زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۵) ظهور داعش و دگردیسی در رفتار کردها (سوریه و عراق)، علوم سیاسی: پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام شماره ۱۹ ص ۱۴۱.
۳۵. عبدالهیان، امید (۱۳۸۸) حقوق دریاها، حقوق همشهری شماره ۲۷ ص ۵۳.
۳۶. عزتی، عزت‌الله و رشنو، نبی‌الله (۱۳۸۶) رویکردهای ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس، جغرافیا: جغرافیایی سرزمین شماره ۱۶ ص ۵۸.
۳۷. عزتی، نصرالله؛ حیدری پور، اسفندیار و اقبالی، ناصر (۱۳۹۰) نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران جغرافیا: نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی شماره ۱۲ ص ۱۸۷.
۳۸. علی محمدی، شیوا (۱۳۹۶) بررسی مشروعیت حضور نظامی ایران در محاصره مسلحانه سوریه در پرتو اصول حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۲ ص ۱۷۸.
۳۹. عمید، حسن (۱۳۹۰) فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۴۰. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰) نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دانشکده فرماندهی ستاد عالی جنگ.
۴۱. عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸) توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، باغ نظر شماره ۱۲ ص ۶۵ تا ۶۸.
۴۲. فتحی، محسن، سعیدی‌راد، مجید، یزدان‌پناه‌درو، کیومرث، کلانتری، محسن (۱۳۹۶) تبیین شاخصها و اولویتهای آمایش دفاعی و امنیتی مناطق مرزی ایران در افق ۱۴۰۴ نمونه موردی: مرزهای جنوبی کشور، علوم سیاسی: علوم و فنون مرزی شماره ۲۰ ص ۹۲.

۴۳. قربانپوردلاور، محمد(۱۳۹۳) وضعیت مسلمانان اروپا؛ و چالش‌های فرار و چشم‌انداز آینده، علوم سیاسی: پژوهش‌های منطقه‌ای سال دوم شماره ۱۱ ص ۱۱۶.
۴۴. کشاورز، مونس(۱۳۹۶) درآمدی بر دعاوی علیه گروه‌های تروریستی، فصلنامه حقوق ملل، شماره ۲۵ ص ۶۳۷.
۴۵. کلاتری، خلیل و عبدالله‌زاده، غلامحسین(۱۳۹۴) برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین، تهران: فرهنگ صبا.
۴۶. کلاهچیان، محمود و محمدی‌لرد، عبدالمحمود(۱۳۹۶) استراتژی بازیگران و مسئله تروریسم در غرب آسیا، علوم سیاسی: مطالعات راهبردی، شماره ۷۷ ص ۶۲.
۴۷. محمدنیا، مهدی(۱۳۹۵) مهاجرت و رادیکالیسم در اتحادیه اروپا، علوم سیاسی: روابط خارجی شماره ۳۰ ص ۶۳.
۴۸. محمدی، نعیم و حاضری، علی محمد(۱۳۸۹) تروریسم به مثابه یک جنبش اجتماعی جدید در مواجهه با دموکراسی، پژوهشنامه علوم سیاسی شماره دوم ص ۱۹۱.
۴۹. مرکز آمار ایران.
۵۰. مطلبی، مسعود؛ آرایش، حسن و رحیمی عماد، سید رضا(۱۳۹۵) تروریسم از منظر بنیادگرایان اسلامی راد کیال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیات‌های استشهادی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره چهارم ص ۱۶۰.
۵۱. موسوی شفتائی، سید مسعود و شاپوری، مهدی(۱۳۹۰) ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیک پر خطر ایران، علوم سیاسی: مطالعات راهبردی شماره ۵۴ ص ۱۷۶.
۵۲. موسی زاده، رضا و گنج بخش، محمود(۱۳۹۵) چالش سیاسی تروریسم و دولت کانادا: مطالعه موردی روابط کانادا با ایران، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳، شماره ۱ ص ۱۶۳.
۵۳. نظری، علی اشرف و پیرانی، شهره(۱۳۹۶) نظریه هویت اجتماعی و بازنمایی کنش هویتی داعش، علوم سیاسی: مطالعات ملی شماره ۷۰ ص ۸۴.
۵۴. وائی، محمود؛ صفوی، سید یحیی و حسینی، سلمان(۱۳۹۵) رهیافت هم‌تکمیلی، مبانی و کارکردهای آن، با تاکید بر منطقه‌ی جنوب شرق ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک شماره اول ص ۲۸.
۵۵. واژه نامه آزاد.
۵۶. وندنوروز، جواد(۱۳۹۲) اقدامات ایالات متحده آمریکا در قبال تروریسم از منظر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه(مورد مطالعه گوانتانامو)، حقوق: اندیشمندان حقوق شماره ۶ ص ۱۳۹.
۵۷. هدایتی شهیدانی، مهدی و مرادی کلارده، سجاد(۱۳۹۳) مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری: تحلیلی چندسطحی، علوم سیاسی: آفاق امنیت شماره ۲۳ ص ۲۳۹.
۵۸. رفیع، حبیب‌الله(۱۳۷۸) تاریخ افغانستان، پیشاور: اداره کتابخانه سیار اریک.
۵۹. صدیق فرهنگ، میرمحمد(۱۳۶۹) افغانستان در پنج قرن اخیر، کابل: نشر شریعتی.
۶۰. عطایی، محمد ابراهیم(۱۳۸۳) نگاهی مختصر به تاریخ افغانستان، کابل: بنگاه انتشارات میوند.
۶۱. صفوی، سید یحیی(۱۳۷۹) مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران(شمال و شمال شرق ایران) جلد دوم، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
62. Gregory, Derek and others(2009) The dictionary of Human Geography, UK: Blackwell.
63. <http://My Geoposition.com>.
64. OXFORD Dictionary.
65. Persson, Malin, 2011, Asylum not an EU problem? Qualitative Analysis of the Readmission Agreement in the Asylum and Migration Policy of the European Union, Malmo University, Department of Global Political.
66. U.N, 2005, A more secure world: our shared responsibility, New York.
67. <http://herattimes.com>
68. Soledad Saux, María(2007) Immigration and Terrorism: A Constructed Connection The Spanish Case. Springer Science, P 66.
69. Simsek, Yilmaz(2006) Impact of Terrorism on Migration Patterns in Turkey, USA: Virginia Commonwealth University VCU Scholars Compass.